

از قهوه تا چای؛ تغییر الگوی مصرف در ایران عصر قاجار

رودی متی^۱

مترجم: سحر سلمی^۲

در سال‌های اخیر شاهد توجه علمی محققان به شیوه مصرف، در اوایل عصر مدرن هستیم.^۳ در این میان محرک‌هایی مانند قهوه و چای سهم قابل توجهی از این تحقیقات را به خود اختصاص داده‌اند. دیگر این محصولات تنها به‌عنوان کالاهای صرف تجاری و تغییر ذائقه مصرف‌کنندگان آن مورد توجه نبوده و محققان آنها را به‌عنوان نمادهایی از رسوم مذهبی، ارتباطات اجتماعی و تغییرات سیاسی، مورد بررسی قرار داده‌اند. آنها به عملکرد این نوشیدنی‌ها در رسوم مذهبی و کاوش‌های پزشکی اشاره کرده، مقبولیت و رواج آنها را در نوع وضعیت و طبقه اجتماعی افراد مورد بررسی قرار داده و تمرکز خود را بر بازخوردهای حکومت به واردات و توزیع آنها (از منع قانونی تا امور مالیاتی) معطوف داشته‌اند.^۴ سیدنی منتز^۱ به مطالعه روابط بین تولید، توزیع و

۱ - دانشگاه دلاور

مقاله حاضر، ترجمه‌ای است از مقاله:

Matthee, Rudolph P, "From Coffee to Tea: Shifting Patterns of Consumption in Qajar Iran", *Journal of World History*, Vol. 7, No. 2, Fall 1996, pp. 199-230.

۲ - کارشناسی ارشد تاریخ اسلام، دانشگاه خوارزمی. Salmi.sahar@gmail.com

۳ - در ابتدا تمایل دارم که از ایرج افشار و عباس امانت برای مطالعه و اظهار نظر روی نسخه قبلی این مقاله تشکر کنم.

۴ - مطالعات اجتماعی اخیر در رابطه با قهوه و سایر محرک‌ها در کشورهای اروپایی نظیر مشارکت‌هایی در *Wandel der Volkskultur in Europa vol. I: Festschrift für Günter Wiegelmann zum 60. Geburtstag*, ed. Nils-Arvid Bringéus et al. (Münster, 1988); Daniela Ball, ed., *Kaffee im Spiegel europäischer Trinksitten* (Zurich, 1991); Pim Reinders and Thera Wijsenbeek, *Koffie in Nederland: Vier eeuwen cultuurgeschiedenis* (Zutphen, 1994); and the special issue on *Kolonialwaren* of *Jahrbuch für*

از قهوه تا چای؛ تغییر الگوی مصرف در ایران عصر قاجار ۱۲۱

مصرف چای در ارتباط با توزیع شکر در بریتانیای قرن هجدهم پرداخته است.^۲ ولفگانگ شیفل بوش^۳ معتقد است که، جوامعی که با حجمه ورود قهوه روبرو شدند، تجسمی از روح عقلایی نظام‌های کاپیتالیست و روشنگری از اوایل غرب مدرن تاکنون بوده، و در نتیجه نشانه‌ای از ظهور اجتماع بورژوازی بوده‌اند.^۴

کارل واسنبرگ در اثر ارزنده خود - که تنها تحقیق جامعی است که دلایل تاریخی و میل افراد به چای یا قهوه بر اساس مذهب یا منطقه آنها را به تصویر کشیده است - به نقش متقابل دین و دولت از یک سو، و گرایش عمومی به مصرف چای یا قهوه از سوی دیگر، در اوایل دوران آلمان مدرن پرداخته است.^۵ اسمیت و دیوید کریستن به معنای نمادین خوراک و نوشیدنی‌هایی همچون چای در روسیه قبل از انقلاب نگاهی داشته‌اند.^۶

Wirtschaftsgeschichte (1994).

1 - Sidney Mintz

2 - Sidney W. Mintz, *Sweetness and Power: The Place of Sugar in the Modern World* (New York, 1985). See also Woodruff D. Smith, "Complications of the Commonplace: Tea, Sugar, and Imperialism," *Journal of Interdisciplinary History* 23 (1992): 259-78.

3 - Wolfgang Schivelbusch

4 - Wolfgang Schivelbusch, *Das Paradies, der Geschmack und die Vernunft* (Munich, 1981); translated as *Tastes of Paradise: A Social History of Spices, Stimulants, and Intoxicants* (New York, 1992).

5 - Karl Wassenberg, *Tee in Ostfriesland: Vom religiösen Wundertrank zum profanen Volksgetränk*

(Leer, 1991)

واسنبرگ در تلاش است تا تمایل عجیب فریسی‌های شرقی را به چای، توسط ارجاع به متن رویه رو توضیح دهد: یک محیط کالونینستی، که این نوشیدنی را به عنوان یک نوشیدنی نیمه کلاسیک می‌شناسد، قرار گرفتن شمال غربی آلمان در معرض تجارت دریایی جهت تامین کالا و روابط خصمانه منطقه با دولت پروس متمرکز که آبجو و قهوه را به علت کسب درآمد تبلیغ می‌کنند.

6 - R. E. F. Smith and David Christian, *Bread and Salt* (Cambridge, 1984).

در این تحقیقات به کشورهای غیر اروپایی، به استثنای کشورهای یمن و چین که مناطق اصلی کاشت قهوه و چای محسوب می‌شوند، توجه اندکی شده است.^۱ در زمینه ارتباط بین فرهنگ مصرف بومی و تقاضای آن از یک سو و نیز الگوهای تجارت بین‌المللی با عناصر عرضه‌کننده آن از سوی دیگر، در مناطقی از جهان که در مصرف قهوه و چای (نه در تولید) شبیه به اروپا بودند، تحقیقات اندکی انجام شده است. تمرکز این مقاله بر آن است تا با طرح پرسش‌هایی مشابه پرسش‌هایی که محققان در مطالعات خود در مورد غرب ذکر نموده‌اند، مصرف و مقبولیت چای در کشور ایران را مورد بررسی قرار داده و هدف اصلی در اینجا نیز بیان ارتباطاتی که بدان‌ها اشاره شد می‌باشد.

همانند کشورهای چین، ژاپن، روسیه، انگلستان، و برخی ایالات پیشین امپراطوری عثمانی، مخصوصاً ترکیه و مراکش، ایران نیز در زمره بزرگترین کشورهای جهان در مصرف چای قرار دارد. ایران از نظر میل عمومی و زمان معرفی این نوشیدنی و کانال‌های تجاری آن، زمان محبوبیتش، با تمام این کشورها (به استثنای ژاپن و چین) همانندی داشت. احتمالاً کشور ایران، به استثنای منطقه شمالی آن، با چای در قرن شانزدهم آشنا شده است. این کشور همچون روسیه نسبتاً نزدیک چین واقع شده و احتمالاً همین عامل سبب آشنایی آن با چای از طریق راه‌های خشکی بوده است. ایران نیز همچون مراکش از طریق راه‌های بحری و در نتیجه فعالیت شرکت‌های تجاری اروپایی، چای را وارد کرده است. کاملاً مشخص است که،

1- For Yemen, see C. G. Brouwer, *Cauwa ende Comptanten: De Verenigde Oostindische Compagnie in Jemen / Cowha and Cash: The Dutch East India Company in Yemen* (Amsterdam, 1988). For coffee in the Ottoman empire, of which Yemen was a part as of the mid-sixteenth century, see Ralph S. Hattox, *Coffee and Coffeeshouses: The Origins of a Social Beverage in the Medieval Near East* (Seattle, 1985). A recent study of tea in China is John C. Evans, *Tea in China: The History of China's National Drink* (New York, 1992). See also Rudi Matthee, "Coffee in Safavid Iran: Commerce and Consumption," *Journal of the Economic and Social History of the Orient* 37 (1994): 1-32.

از قهوه تا چای؛ تغییر الگوی مصرف در ایران عصر قاجار ۱۲۳

همچون تمامی کشورهای مصرف‌کننده چای، بجز کشورهای شرق آسیا، چای قبل از اینکه نوشیدنی محبوب کشور محسوب شود، دوره طولانی مدتی را سپری کرده است. همچون کشورهای انگلستان و روسیه، شهرت واقعی چای به قرن نوزدهم باز می‌گردد. علیرغم روسیه که چای در ابتدای امر با مشروبات الکلی رقابت می‌کرد، ایران و دیگر کشورهای اروپایی و بیش از همه دولت عثمانی قبل از ورود چای، از کشورهای مصرف‌کننده قهوه محسوب می‌شده است.

انگلستان در زمره نخستین کشورهای غربی است که در قرن هفدهم در آن قهوه از محبوبیت خاصی در آن برخوردار بود و مردم آن در ابتدا این نوشیدنی را به چای ترجیح می‌دادند. با وجود اینکه چای نیز در همان دوران به این کشور وارد شد، مردم انگلستان قهوه را ارجح دانسته و چای تا اواخر قرن هجدهم نتوانست جایگزین قهوه شود. عواملی که بر تغییر مصرف از قهوه به چای مؤثرند شامل مواردی از قبیل هزینه، منبع تأمین، شرایط کاری و تغییر در ذائقه و مد هستند.^۱ پیشرفت در زمینه تغییر در امپراتوری عثمانی پیچیده‌تر بود، چرا که قهوه و چای از منظر منطقه‌ای از یکدیگر متمایز می‌شدند. در آلمان و هلند هم به همین ترتیب بود، در این کشورها روابط مذهبی نقش عمده‌ای داشتند (این روند در امپراتوری عثمانی و آلمان و هلند پیچیده‌تر بود، زیرا در عثمانی ترجیح چای یا قهوه در هر منطقه متفاوت بود و در آلمان و هلند نیز پیوستگی‌های مذهبی عامل دیگری در انتخاب یکی از این دو نوشیدنی بود) بخش‌های عرب‌زبان دولت عثمانی - مصر، سوریه، عراق، لیبی و الجزایر در غرب - در زمره اولین کشورهایی بودند که در قرن پانزدهم قهوه را از یمن به کشور خود وارد کرده و هرگز دیگر چای را جایگزین آن نکرده‌اند. هر چند که در این میان مراکش استثنا بوده و پس از ورود چای توسط بازرگانان انگلیسی و هلندی در قرن شانزدهم، چای به محبوب‌ترین نوشیدنی در این کشور تبدیل شد.^۲ با ترویج آداب و رسوم و ذائقه روسی در ترکیه و تولید بومی چای در این

1- See John Burnett, "Coffee in the British Diet, 1650-1990," in *Kaffee im Spiegel europäischer Trinksitten*, ed. Ball, pp. 35-52.

2- See Omar Carlier, "Le café maure: Sociabilité masculine et effervescence citoyenne (Algérie XVIIe-XXe siècles)," *Annales, ESC* (1990): 976-77.

۱۲۴ فصلنامه علمی-تخصصی پژوهش در تاریخ

کشور در قرن بیستم، ترکیه مبدل به کشور مصرف کننده چای شد، هر چند که بسیاری از ترک‌ها همچنان قهوه را ارجح می‌دانستند.^۱ ایران نیز در طول زمان از مصرف قهوه به مصرف چای روی آورد تا جایی که در اواخر دوره قاجاریه (۱۷۹۶-۱۹۲۵/۱۱۷۵-۱۳۰۴) چای به «نوشیدنی ملی کشور» تبدیل شد. تغییرات منطقه‌ای، تاثیر و ترویج مسیرهای تجاری بین‌المللی، سبب ادغام بازار ایران به سیستم بازاری اوراسیایی انگلیسی - روسی شد که همین امر نقش عمده‌ای در توزیع مصرف چای پس از سال ۱۸۴۰م. داشت تا آنکه این کالا احتمالاً عامل کلیدی توزیع آن است، اما بازار تنها محرک آن نبود. تمرکز انحصاری بر تأثیرات ترویجی تغییرات جهانی در تجارت و ذائقه افراد و تأکید بر تأمین آن و نیز هزینه عوامل مرتبط با تقاضا از عوامل مهم قابل ذکر هستند، اما بایستی به نظر می‌تواند نیز توجه داشت، او بر این باور است که محبوبیت روز افزون چای در انگلستان حاصل تلاش و کار بیشتر، جنبش اجتماعی فرودست، و نیاز طبقه کارگر جامعه به کالری‌های ارزان است. در بررسی از منابع اندک قرن نوزدهم در ایران، چگونگی تأثیر عواملی چون طبقه اجتماعی، وضعیت اجتماعی و مُد در انتقال مصرف محرک‌ها مورد مطالعه قرار گرفته‌اند.

ترویج و گسترش قهوه و چای در قرن شانزدهم و هفدهم

زمان معرفی اولیه قهوه و چای به ایران نامشخص است. با کمی تردید می‌توان گفت در اوایل سلسله صفویه (۱۵۰۱-۱۷۲۲م/۹۰۷-۱۱۴۸ق) هر دو وارد ایران شدند. شواهد اولیه حاکی از آن است که قبل از آشنایی و ثبت این کالاها در سالنامه‌های اروپایی، در قرن شانزدهم وارد ایران شده است (اولین شواهد از وجود قهوه و چای به قرن شانزدهم باز می‌گردد، که قبل از آن در هیچ سالنامه اروپایی از آنها نامی برده نشده بود). رسالات پزشکی، اولین منابعی هستند که دال بر حضور قهوه در ایران بوده و نیز قهوه در ابتدا نقش دارویی داشته و بعدها نوشیدنی

1- Richard Tapper, "Blood, Wine and Water: Social and Symbolic Aspects of Drinks and Drinking in the Islamic Middle East," in *Culinary Cultures of the Middle East*, ed. Sami Zubaida and Richard Tapper (London, 1994), pp. 218-19.

از قهوه تا چای؛ تغییر الگوی مصرف در ایران عصر قاجار ۱۲۵

محبوب عام شده است، همچون آنچه در اروپا رخ داد.^۱ احتمال می‌رود این کالا از طریق دولت عثمانی از دنیای عرب، و از طریق رفت و آمد مسافران بین ایران و مکه و یا تعاملات تجاری و نظامی بین عثمانی و سلسله صفویه به ایران وارد شده باشد. پس از اینکه شاه عباس اول (۱۶۲۹-۱۵۸۷/۹۹۶-۱۰۳۸ق) در سال ۱۵۹۰م/۹۹۹ق. پایتخت را از قزوین به اصفهان انتقال داد، پروژه‌ای بی‌نظیر برای احداث مرکز دولتی جدید در نظر گرفت که این پروژه همانا ساخت بنای میدان مرکزی مشهور به نقش جهان است که در سال ۱۶۰۴-۱۶۰۳م. به پایان رسید و هنوز نیز پابرجاست.

در دو طرف ورودی این بازار دکان‌هایی به نام قهوه‌خانه قرار دارند که در نتیجه توصیفات بازدید کنندگان خارجی از آنها به شهرت رسیده‌اند.^۲ علاوه بر این قهوه‌خانه‌ها، اصفهان دارای قهوه‌خانه‌هایی در هر کنجای شهر می‌باشد و پر واضح است که شهرهای استانی نیز دارای قهوه‌خانه هستند. با این وجود، در آن دوران قهوه‌خانه‌ها منحصر به محیط شهری می‌شده‌اند.^۳ به نظر می‌رسد که چای قبل از قهوه راه خود را به ایران گشوده باشد. قدیمی‌ترین مرجع چای در اروپا به بازرگانی ایرانی به نام حاج محمد نسبت داده می‌شود که در قرن شانزدهم، نویسنده ونیزی به نام آن اشاره کرده و دیگر مرجع «جیان باتیستا راموسیو» ی وزیر است که از

1 - See Aladin Goushegir, "Le café en Iran des Safavides aux Qajar à l'époque actuelle," in *Contributions au thème du et des cafés dans les sociétés du Proche-Orient*, ed. Hélène Desmet- Grégoire (Aix-en-Provence, 1991), pp. 76-78.

2- Mulla Jalal al-Din Munajjim, *Tarikh-i 'abbasi ya ruznamah-i Mulla Jalal* (Tehran, 1366/1987), pp. 236-37.

3- See Mathee, "Coffee in Safavid Iran," p. 23. The German physician-cum-traveler Engelbert Kaempfer, who visited Iran between 1683 and 1685, noted that all over Iran, in the bazaars and the roads, day laboreres could be seen grinding coffee. Neither he nor any other source, however, confirms the existence of real coffeeshouses outside the urban setting. See Engelbert Kaempfer, *Die Reisetagebücher Engelbert Kaempfers*, ed. Karl Meier- Lemgo (Wiesbaden, 1968), p. 115.

وجود این کالا در چین خبر داده است.^۱

احتمال براین است که چای در شمال ایران و در اوایل قرن سیزدهم میلادی توسط مغول‌ها به ایران وارد شده باشد.^۲ هنوز مشخص نیست که چای مصرفی آن دوران همین چای خشک سیاه بوده است که چادر نشینان آن را با نمک و سرشیر می‌نوشتند یا چای سبز چینی و چای سیاه رقیق چینی بوده است. با این وجود، شکی نیست که در قرن هفدهم مورد ذکر شده که چای با شکر مخلوط و مصرف می‌شده و باب میل مردم بوده است.^۳ این امر با استناد به نوشته‌های آدام اولناریوس، مسافر آلمانی در سال ۱۶۰۳ م. مطرح می‌شود. او اذعان می‌کند که ایرانی‌ها در چایی‌شان شکر می‌ریزند. قبل از رسیدن شرکت‌های هند شرقی به خلیج فارس در اوایل قرن هفدهم میلادی، اعراب، هندی‌ها و بازرگانان ایرانی چای را وارد کرده‌اند. با در نظر گرفتن ادعای اولناریوس مبنی بر اینکه چای از آسیای مرکزی و چین، به واسطه تاتارهای ازبک و از طریق خشکی وارد ایران شده است، پس چای سبز یا سیاه چینی نیز قبل از رسیدن به بازرگانان اروپایی به سواحل خلیج فارس، در ایران جایگاه خود را پیدا کرده‌اند. این امر سبب در دسترس قرار گرفتن هر چه بیشتر این کالا و ارزانتر شدن آن گردید، علی‌الخصوص زمانی که این شرکت‌ها، چای را نیز در ردیف دیگر کالاهای آسیایی وارداتی از طریق مسیرهای تجاری اقیانوس هند و خلیج فارس قرار دادند. هیچ مدرکی برای تجارت پرتغال و ایران و با استناد به فعالیت شرکت هند شرقی انگلیس در خلیج فارس موجود نیست. تنها اسناد دریایی هلندی موجود در نیمه دوم قرن، شامل منابع مختلف پیرامون چای، به چای چینی باز می‌گردند. این اسناد هلندی نوع چای وارداتی شرکت هند شرقی هلند را مشخص نمی‌کنند. هلند به تجارت

1 - See Giovanni Gianbattista Ramusio, *Delle navigationi e viaggi raccolte da M. Gio. Battista Ramusio*, 3 vols. (Venice, 1559), 2:15.

2- Berthold Laufer, *Sino-Iranica: Chinese Contributions to the History of Civilization in Ancient Iran with Special Reference to the History of Cultivated Plants and Products* (Chicago, 1919), pp. 553-54.

3- Adam Olearius, *Vermehrte neue Beschreibung der muscowitischen und persischen Reyse* (Schleswig, 1656), p. 599.

از قهوه تا چای؛ تغییر الگوی مصرف در ایران عصر قاجار ۱۲۷

بیهوده از چین برای تهیه منابع سران آسیایی خود در باتاویا اتکا کرده، تاجران چینی تمایل به تهیه چای بوهای سیاه برای آنها داشته و قطعاً این تنوع باعث گشایش راه چای به ایران شده است.^۱ همچنین منابع هلندی نمونه‌های مختلفی در حوزه تقاضا برای چای در ایران ارائه می‌کنند- که این نمونه‌ها منعکس‌کننده نوسان بازار است- اما کل فرض بر این است که نوشیدن چای در این زمان محبوبیت و شهرت دائمی نداشت. بنابراین در سال ۱۶۴۳م، هلندی‌ها در انبارشان در بندر عباس، که مرکز بازرگانی- تجاری ساحل خلیج فارس محسوب می‌شد، ۳۰۰ پوند چای به فروش نرسیده داشتند.^۲

هفت سال بعد در گزارشی بیان شده است که در چهار سال اخیر هیچ چای چینی وارد کشور نشده و تقاضا برای برگ‌های چای زیاد بوده و سود فراوانی در پی دارد.^۳ در سال ۱۶۹۴م، بر خلاف این اظهارات، یکی از ماموران هلندی از بندرعباس اعلام کرد که ۱۲۰۴۵ پوند از چای تحویل گرفته شده که به علت عدم تقاضا در ایران به سورات هند منتقل شده است.^۴ توزیع ناگهانی و ناخواسته منابع، تصمیم‌گیری قطعی درباره شهرت نسبی قهوه و چای در عهد صفویه ایران را مشکل می‌سازد. نکته قابل توجه این است که بخش شمالی کشور ایران و نیز کانون آسیای مرکزی، که در این مناطق چای شهرت پیدا کرده بود، اطلاعات بسیار کمی درباره موضوعات اقتصادی و اجتماعی داده است.^۵ منابع معاصر حاکی از آن هستند که از نظر

1 - For the Dutch role in the East Asian tea trade, see Roderich Ptak, "Die Rolle der Chinesen, Portugiesen und Holländer im Teehandel zwischen China und Südostasien (ca.1600 -1750)," *Jahrbuch für Wirtschaftsgeschichte* (1994): 89-105.

2 - Algemeen Rijks Archief (Dutch National Archives, hereafter cited as ARA), The Hague, Verenigde Oostindische Compagnie (hereafter cited as VOC) 1144, Gamron to Batavia, 14 May 1643, fol. 489. The same missive is found in VOC 1146, fol. 813v.

3 - ARA, VOC 1178, Gamron to Batavia, 6 April 1650.

4 - ARA, VOC 1549, Gamron to Batavia, 24 October 1694, fol. 602r.

۵ - در قرن شانزدهم و هفدهم، تواریخ فارسی اطلاعات زیادی را در رابطه با وقایع سیاسی و به ویژه اتفاقات

قابلیت دسترسی و حجم مصرف، نه چای و نه قهوه به شهرت شربت (شهدی که با آب رقیق می‌شود) نرسیده و چای در مقایسه با قهوه دوران صفوی در جایگاه دوم- غیر از نواحی شمالی- قرار می‌گرفته است.^۱ در حلقه‌های درباری و بسیاری از قهوه‌خانه‌های شهری آن زمان قهوه مصرف می‌شده است. این نوشیدنی همراه با قلیان مصرف می‌شده و بنابراین می‌توان گفت محبوبیت زیاد اولیه خود را مرهون ورود تنباکو به ایران در قرن شانزدهم بود.^۲

منابعی که نشان‌دهنده مصرف چای در عهد صفویه باشند بسیار کم هستند. از جمله آنها می‌توان به یکی از سیاحان استناد کرد که به وجود چای در چای ختای خانه اشاره می‌کند، دیگری به عادت نوشیدن چای در گرمابه‌ها اشاره می‌کند و نفر سوم از پذیرایی رسمی در شمال ایران با چای می‌گوید.^۳

کاهش مصرف قهوه و چای

بدون توجه به توزیع نسبی دو نوشیدنی در دوران صفویه در ایران، شهرت آنها تحت تاثیر سقوط سلسله صفوی و آشفتگی‌های قرن هجدهم قرار گرفت. چای سرنوشتی مبهم دارد که پس از سقوط اصفهان به دست مهاجمان افغان در سال ۱۷۲۲م/۱۱۳۵ق. به ندرت از آن یاد شده است.

نظامی خراسان به دست می‌دهد و فقط اوایل قرن نوزدهم نیست که گزارش‌های شاهدان عینی اطلاعاتی را در رابطه با شرایط اجتماعی و زندگی روزانه مردم به ما می‌دهند.

1- See ARA, VOC, General Missiven, 30 November 1640, published in *Generale Missiven van Gouverneurs-Generaal en Raden aan Heren XVII der Verenigde Oostindische Compagnie*, ed W. Ph. Coolhaas (The Hague, 1964), 2:115.

2- Jean-Baptiste Tavernier, *Les six voyages de Jean-Bapt. Tavernier en Turquie, en Perse, et aux Indes*, 2 vols. (Utrecht, 1712), 1:714-15.

3- For the teahouses, see Olearius, *Vermehrte neue Beschreibung*, pp. 599-600. Tea in connection with bathhouses is mentioned by John A. Fryer, *A New Account of East India and Persia, Being Nine Years' Travels, 1672-1681*, ed. W. Crooke, 3 vols. (London, 1909-15), 3:33-34. Engelbert Kaempfer was treated to tea in Shamakhi and Qazvin during his journey to Isfahan in 1683-84. See Kaempfer, *Die Reisetagebücher*, pp. 45, 69.

از قهوه تا چای؛ تغییر الگوی مصرف در ایران عصر قاجار ۱۲۹

مشابه همین امر برای قهوه نیز صادق است. مصرف این نوشیدنی با قانون‌های رسمی مصوب علیه قهوه‌خانه‌ها در اواسط قرن هفدهم مورد چالش قرار گرفت. همانگونه که در دیگر کشورهای جهان اسلام هم مشاهده گردید - در حقیقت در چندین جامعه اروپایی معاصر هم دیده می‌شود- قهوه و قهوه‌خانه‌ها با انتقاد زیاد و شک و تردید منتقدان اجتماعی، روحانیون مذهبی و سران دولتی روبرو شدند. همانند رساله‌ی زمان استقرار مجدد پادشاهی در انگلیس، که قهوه را منشا «بیکارگی و انفعال» خوانده بود، مقاله‌ای فارسی در قرن هفدهم نیز به خوانندگانش درباره‌ی ارتباط قهوه با بیکاری و بیهودگی و استفاده از افیون هشدار داد.^۱ به محض ورود قهوه به جهان اسلام، بحث مفصلی میان روحانیون مبنی بر اینکه قهوه هم خاصیت مثل شراب دارد، به راه افتاد.^۲ علت اصلی این بحث نیز سرگرمی بیهوده‌ای بود که در زمان صفویه در قهوه‌خانه‌ها رواج داشت به این ترتیب که رقاصه‌ها می‌رقصیدند و جوانان دسته‌جمعی آواز می‌خواندند. آنچه روحانیون مذهبی می‌خواستند برچیده شدن قهوه‌خانه‌ها و به راه‌اندازی مکان‌هایی برای گردهمایی صوفیان و مسلمانان بود. آنها براین باور بودند که این مراکز باعث جنبش و حماسه‌سرایایی شده و مشروعیت حکومت را کاهش می‌دهد.^۳

به نظر می‌رسد که قهوه‌خانه‌های ایرانی کارکرد و ماهیت اصلی خود را از دست داده و به اماکنی برای سرگرمی و تبلیغات سوء علیه مالیات‌ستانی و اقدامات دولتی مبدل شدند. افزایش سخت‌گیری‌ها علیه قهوه‌خانه‌ها تاثیر منفی بر مصرف نوشیدنیها نداشته، مخصوصاً اینکه در نظارت‌های دربار تصمیم به مشروعیت قهوه‌خانه‌ها گرفته شد. به هر طریق، کاهش مصرف

۱- الف. قزوینی، «در مضرات دخانیات، قهوه و تریاک» سخن، ۱۷، (۱۹۶۷/۱۳۴۶): ۷۴-۳۷۲

۲- به عنوان مثال مراجعه کنید به: شیخ محمد بن الحسن حر عاملی، «وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه» (تهران: ۱۳۸۸/۶۹-۱۹۶۸)، ص ۳۰۷؛ همچنین مراجعه کنید به: جعفریان، دین و سیاست در دوره صفوی (تهران ۱۳۷۰/۱۹۹۱)، ص ۳۶۴؛ و آقا بزرگ تهرانی، «طبقات الأعلام الشیعه» ۵ جلد، (قم، ۱۹۹۰) ۵-۶۰۳

3- See Kathryn Babayan, "The Waning of the Qizilbash: The Temporal and the Spiritual in Seventeenth-Century Iran" (Ph.D. diss., Princeton University, 1993), pp. 255-63.

۱۳۰ فصلنامه علمی-تخصصی پژوهش در تاریخ

قهوه در نتیجه تغییرات اقتصادی و سیاسی چشمگیر حاصل شد و اقدامات دولت و بازخواست‌های دربار نقش زیادی در این زمینه نداشتند.

در اوائل قرن هجدهم ایران مورد تهاجم افغان‌ها قرار گرفت که در سال ۱۷۲۲م/۱۱۳۵ق. اصفهان را فتح کرده و سلسله صفویه را برانداختند. تصرف افغان‌ها باعث ایجاد دوره‌ای طولانی مدت از آشفتگی‌های سیاسی، هرج و مرج و جابجایی اقتصادی شدیدی شد. این اوضاع تا زمان قاجار ادامه پیدا کرد. مسیرهای تجاری دچار آشفتگی شدند، مردم قدرت خرید را ازدست داده و در نتیجه قیمت‌ها افزایش یافته و بسیاری از مصرف‌کنندگان سابق قهوه قدرت خرید خود را از دست دادند.

این تأثیر نیز همچون تأثیرات وارده بر زندگی مردم، خشونت حاصله، عدم امنیت و ویرانی‌های به بار آمده که در قرن هجدهم کشور با آن روبرو بود، مهم محسوب می‌شد. «الیویه» سیاح فرانسوی که در واپسین سال‌های آن قرن از ایران بازدید کرده است، قهوه‌خانه‌ها را با آن چه از قبل در سفرنامه‌های افرادی چون «ژان شاردن» و «ژان بابتیست تاورنیه» خوانده بود مقایسه می‌کند. قهوه‌خانه‌های سابق بناهای زیبا و بی‌شماری بودند که سرشار از سرگرمی و بحث‌های زنده بودند، درحالی که آن بناهایی که «الیویه» با آن‌ها مواجه شده است اندک بوده، به آنها رسیدگی نشده و زیبا نیز نبودند. او درباره این مسأله این طور توضیح می‌دهد که در حین جنگ‌های شهری، ایرانی‌ها دیگر به این مکان‌ها نرفته‌اند، چرا که نمی‌توانسته‌اند باهم بحث آزاد داشته باشند و حتی پرسش کردن از اوضاع نیز پر خطر بوده است، زیرا که ممکن بود عواقب احتمالی ناگواری برای آنها در پی داشته باشد. او می‌گوید در حالی که در همسایگی ایران در عثمانی، مصرف قهوه افزایش روز افزونی داشته و مردم آن را در تمامی موقعیت‌ها و ساعات روز می‌نوشند. مردم ایران در پذیرایی‌های خود شربت و شیرینی به همراه قلیان را ترجیح می‌دهند و به ندرت از خود با قهوه پذیرایی می‌کنند.^۱

الیویه نظریه جالبی ارائه کرده که مشتمل بر گرایش روزافزون مردم به درونگرایی در جامعه

1- G. A. Olivier, *Voyage dans L'empire Othoman, l'Egypte et la Perse*, 6 vols. (Paris, 1807), 5:275-77.

از قهوه تا چای؛ تغییر الگوی مصرف در ایران عصر قاجار ۱۳۱

ایران است. برخلاف پیشرفت‌هایی که در آن زمان در جوامع اروپایی دیده می‌شد که تأکید فراوانی بر حوزه خصوصی داشتند و بازتاب‌دهنده رشد طبقات میانی جامعه بود،^۱ موقعیت ایران تمامی عناصر نابسامانی شدید اجتماعی و اقتصادی را داشت که منجر به بازپس‌نشینی غیرارادی مردم به حوزه خصوصی‌شان می‌شد. از آنجایی که اطلاعات اندکی درباره تاریخ اجتماعی از پایان حکومت صفویه تا برآمدن قاجاریه در دست است، نمی‌توان به طور دقیق درباره این از رونق افتادن زندگی عمومی اظهار نظر کرد. در مورد قهوه، در کل این دوره تنها یک منبع در زبان فارسی به ساخت قهوه‌خانه‌ای نزدیک قندهار به دستور نادرشاه (۱۷۳۶-۱۷۴۹/۱۱۱۴-۱۱۲۶ق) اشاره کرده است.^۲

با وجود مشاهدات معاصر، فرضیه البویه فاقد شاهد ضمنی است که مصادیق او را تأیید کند. برای مثال به دنبال برافتادن اصفهان و تصرف آن به دست افغان‌ها در سال ۱۷۲۲م/۱۱۳۵ق. از قهوه‌خانه‌های معروف دو طرف ورودی میدان نقش جهان که در زمان شاه عباس اول بنا شدند، صحبتی به میان نیامده است. مأمور ایتالیایی، «لئاندرودی سسیلیا» که در سال ۱۷۳۸م. از شهر بازدید کرده بود در توضیحات خود نامی از قهوه‌خانه‌ها نبرده است.^۳ در اوائل قرن نوزدهم در پایتخت سابق اندکی تغییر حاصل شد. «جیمز موریه» که «هارفورد جونز» دیپلمات انگلیسی را در دربار قاجار همراهی می‌کرد، درباره دکان‌های اطراف میدان چنین می‌گوید: «مدت زیادی دوام نیاوردند» و اضافه می‌کند درهای بسیاری بسته شده بودند. تا آنجایی که تنها ردیفی ساکن و آرام در دور تا دور بازار دیده می‌شود. او ادامه می‌دهد که بازار بزرگ اکنون محدود به یک گوشه نزدیک نقاره‌خانه شده است. بقیه آن همه ساکت و بی‌تکاپو

1- For this transformation in France, see Robert Darnton, *The Great Cat Massacre and Other Episodes in French Cultural History* (New York, 1984), chap. 3, "The Bourgeois Puts His World in Order: The World as a Text," pp. 107-44.

۲ - میرزا مهدی خان استرآبادی، تاریخ جهانگشای نادری (تهران ۱۳۶۸/۱۹۸۹)، ص ۳۷۶.

3- F. Leandro di S. Cecilia, *Persia, o sia secondo viaggio* (Rome, 1753), pp. 186-87.

۱۳۲ فصلنامه علمی-تخصصی پژوهش در تاریخ

بوده و به ندرت شخصی از آنجا عبور می‌کند.^۱ «کر پورتر» در سال ۱۸۱۸ م. دقیقاً همان تصویر را نقل کرده، آنجا که می‌گوید تمام خیابان‌ها ویرانه‌اند. بازار ساکت و متروک است. کاروان‌سراها متروک مانده‌اند.^۲

هیچ کدام از این‌ها به این معنی نیست که قهوه و یا چای از عادت غذایی مردم ایران حذف شده باشد. به علاوه در قهوه‌خانه‌های ساخت نادر شاه «جیمز اسپیلمن» نماینده شرکت انگلیسی - روسی در سال ۱۷۳۹ م. از پذیرایی با قهوه و چای توسط وزیر لنگرود (منطقه‌ای نزدیک رشت) گیلان که در جنوب دریای خزر است خبر می‌دهد.^۳ «جونز هانوی» در سال ۱۷۴۰ م. درباره مردم ایران می‌گوید: «آن‌ها قهوه را در ظرف‌های کوچکی همراه نعلبکی می‌نوشند». بیشتر از یک نسل بعدتر «ویلیام فرانکلین» می‌گوید: «مردم ایران یک فنجان قهوه را بدون شیر یا شکر پس از صبحانه مصرف می‌کنند».^۴

گزارشی در اواخر قرن هجدهم درباره تجارت در خلیج فارس بیان می‌دارد که قهوه توسط بازرگانان عرب از یمن و عمان و بصره وارد ایران شد.^۵ این نمونه‌ها که شاید باز هم بتوان نمونه‌هایی از آنها را یافت دال بر نقض مشاهدات الیویه

1- James Morier, *A Journey through Persia, Armenia, and Asia Minor to Constantinople in the Years 1808 and 1809* (London, 1812), p. 170. The *nokara khaneh* (*naqqarah khanah*) is the music house.

2- Sir Robert Kerr Porter, *Travels in Georgia, Persia, Armenia, Ancient Babylonia*, 2 vols. (London, 1821-22), 1:408.

3- James A. Spilman, *Journey through Russia into Persia in the Year 1739* (London, 1742), p. 18.

4- Jonas Hanway, *An Historical Account of the British Trade over the Caspian Sea: With a Journal of Travels through Russia into Persia*, 4 vols. (London, 1753), 1:226. William Francklin, *Observations Made on a Tour from Bengal to Persia in the Years 1786-87* (London, 1788), p. 76.

5- India Office Records, London, G/19/25, Report by Manesty and Jones on trade in the Persian Gulf, 15 August 1790, fols. 219, 255.

از قهوه تا چای؛ تغییر الگوی مصرف در ایران عصر قاجار ۱۳۳

نیستند. شکی نیست که قهوه و به نسبت بسیار کمتر از آن چای، محدود به مصرف در خانه‌های شهری و طبقات اجتماعی بالاتر جامعه می‌شد. هنوز نیز کم شدن مصرف قهوه منعکس‌کننده آشفتگی حوزه عمومی می‌باشد. علی‌الخصوص در صورتی که این امر با عدم ظهور قهوه‌خانه‌ها همراهی شود. همچنین پر واضح است که این آشفتگی ضرورتاً با ویرانی‌های اصفهان و دیگر شهرهای ایران در عهد صفویه مرتبط نمی‌باشد. مسافران آن زمان در مشاهدات خود می‌گویند که ویرانی‌ها همچنان باقی و یا در حال ساخت بودند و این مشاهدات مطلب فوق را تایید می‌کند.

«جیمز باکینگهام» که در سال ۱۸۲۸م. از بغداد وارد ایران شد می‌گوید: کرمانشاه (اولین شهرستانی که از آن بازدید نمود) در وضعیت ساخت و ساز قرار داشت. او خاطر نشان می‌سازد که: «از دیواری جدیدالاحداث وارد شهر می‌شود. از خیابان‌های در حال ساخت و رو به پیشرفت عبور می‌کند، خیابان‌های شلوغ و پر هیاهویی که مکان جدید فعالیت بوده‌اند. علاوه بر این به نظر می‌رسد که هر چیز مورد نیاز و لوکس به وفور دیده می‌شود. خیابان‌های نیمه ساخت و بازارهای جدید پر از مردم بوده، همگی به شدت مشغول به کار بوده و پیامهای مهمی داشته‌اند».^۱ با این وجود با دیدن این صحنه شلوغ در کنار فراغت خاطر و سکون زندگی عمومی که او در سرزمین‌های عرب شاهد آن بود، مشاهده کرد که ایرانیان با مسافران خارجی آشنا بودند. او می‌گوید: «در اینجا هر چیز تفاوت‌های قابل توجه شهرهای عثمانی و عرب را نشان می‌دهد. در اینجا قهوه‌خانه‌هایی نیستند که قلیان در آنها بکشند، عابریانی نیستند که تنها از روی سرگرمی و با فراغت خاطر قدم بزنند، لباس‌های زیبا با رنگ‌های شاد دیده نمی‌شوند. اینجا تنها با نگرش‌ها و آزادی تحت تصرف سازگار است».^۲

همدان دومین شهری است که باکینگهام از آن دیدن می‌کند و می‌نویسد: «آنجا حتی یک قهوه‌خانه هم ندارد».^۳ و در نهایت وقتی از نحوه پذیرایی دولتمرد اصفهانی می‌گوید به این نکته

1- J. S. Buckingham, *Travels in Assyria, Media, and Persia*, 2 vols. (London, 1830), 1:130.

2- Ibid., 1:131.

3- Ibid., 1:194.

۱۳۴ فصلنامه علمی-تخصصی پژوهش در تاریخ

اشاره می‌کند که فارسی‌زبان‌ها نه در مجالس عمومی و نه خصوصی قهوه نمی‌نوشتند.^۱ منابعی که از قرن نوزدهم موجود است با مشاهدات باکینگهام تناقض ندارد و هیچ بازدیدکننده خارجی مابین سالهای ۱۸۰۰ تا ۱۸۴۰م. به وجود قهوه‌خانه‌ها در ایران اشاره نمی‌کند. «بلانژه» فرانسوی که در سال ۱۸۲۰م. از کشور دیدن می‌کند، ذکر می‌کند که میکده‌هایی که در آنها مشروبات الکلی و شراب مصرف می‌شده است، جایگزین قهوه‌خانه‌ها شده و این تاجایی پیش رفت که شاه عباس دوم در اواسط قرن هفدهم قهوه‌خانه‌ها را بست.^۲ شواهد به دست آمده این ادعا را ثابت نمی‌کنند، اما بسته شدن قهوه‌خانه‌ها در آن زمان قابل تامل است. «جیمز فریزر» که در همان دوران بارها به ایران سفر کرده است نیز نامی از قهوه‌خانه‌ها نمی‌برد. همچون دیگر قسمتهای خاورمیانه، در دوران صفویه در ایران، حوالی شهرها و خارج از نواحی مرکزی شهری، دیگر قهوه‌خانه‌ها دیده نمی‌شدند.^۳ حتی در مناطق شمالی در اواسط قرن نوزدهم قهوه‌خانه‌های روستایی نیز دایر نبوده‌اند. «نیکلاس دی خانیکف» که در سال ۱۸۶۰م. از نیشابور تا مشهد در شمال شرق ایران سفر کرده است از روستاهایی عبور می‌کند که آنها را آینده‌دار می‌نامد. او بر این عقیده است که آنچه آن روستاها را از بقیه متمایز می‌کند، حضور بی‌شمار قهوه‌خانه‌هاست که در آن‌ها قلیان، سماورهای برنجی روسی، فنجان‌های چای انگلیسی و آلمانی دیده می‌شود.^۴

او می‌گوید که تجربه او از میهمان‌نوازی مردم ایران با دیگر مسافران همان زمان قابل مقایسه

1- Ibid., 1:380.

2- C. Bélanger, *Voyage aux Indes orientales par le nord de l'Europe, les provinces du Caucase, la Géorgie, l'Arménie, et la Perse pendant les années 1825-1829*, 3 vols. and 3 atlases (Paris, 1833-38), 2:2:342.

3- See Michel Tuchscherer, "Café et cafés dans l'Égypte ottomane, XVIIe-XVIIIe siècles," in *Contributions au thème du et des cafés*, ed. Desmet-Grégoire, p. 55.

4- Nicolas de Khanikoff, "Mémoire sur la partie méridionale de l'Asie centrale," *Recueil de voyages et de mémoires publiés pour la Société de Géographie* 7 (1861): 330.

از قهوه تا چای؛ تغییر الگوی مصرف در ایران عصر قاجار ۱۳۵

نیست. «گاسپار دروویل» فرانسوی نیز در دهه دوم قرن نوزدهم به این مناطق سفر کرده و می‌نویسد: «این که کسی چندین بار در طول روز قهوه ننوشد برای من باور کردنی نیست. قهوه در اینجا بسیار ارزان است. اگر مسافری نمی‌توانست قهوه بیشتری بنوشد آن را در کیسه‌هایی مانند تنباکو با خود حمل می‌کرد تا در راه از مخلوط آن با عسل یا افیون استفاده کرده و لذت ببرد»^۱.

توزیع قهوه و چای

کاملاً واضح است که در برخورد با اظهار نظرات سیاحان باید جانب احتیاط را رعایت کرد. اظهارات متناقض و مخالف آنها، همچون آنچه بدان اشاره شد، بر اهمیت موضوع توزیع جغرافیایی و وضع اجتماعی باتوجه به الگوهای مصرف تاکید می‌کند. تفاوت در اظهارات این مسافران نشان‌دهنده تفاوت در مناطقی است که از آنجا دیدن کرده‌اند و آن‌ها مشاهدات خود را به کل مردم ایران تعمیم داده‌اند. بنابراین وقتی اظهارات دروویل را می‌خوانیم مبنی بر اینکه همه مردم قهوه مصرف می‌کردند و قیمت آن بسیار ارزان بود، باید بپرسیم که او از کدام قسمت ایران دیدن کرده است. آیا سفر او به شهرهای اصلی و جاده‌های رابط بین آنها ختم می‌شده است. یا او از مناطق روستایی و نواحی دور دست هم دیدن کرده است، با چه شرکتی سفر کرده و استانداردهای او از مقایسه قیمت‌ها چه بوده است. وقتی سه متغیر حدود جغرافیایی، تقسیمات شهری - روستایی و وضعیت اقتصادی را با وضعیت مالی در نظر می‌گیریم، سردرگمی کمتری در مشاهدات دیده می‌شود، و علت کم مصرفی قهوه نیز مانند چای مشخص شده و تصویری جدید و متنوع پدیدار می‌شود.

از این تصویر می‌توان دریافت که توزیع و مصرف قهوه و چای در ایران در نیمه اول قرن نوزدهم، اولین و بهترین نشان‌دهنده بحث موضوعات مالی بوده است. بدون در نظر گرفتن طبقه‌های اقتصادی جامعه، چای در شمال کشور و قهوه در جنوب کشور بیشتر مشاهده می‌شدند.

1- Gaspard Drouville, *Voyage en Perse fait en 1812 et 1813*, 2 vols. (St. Petersburg, 1819-20), 1:78.

۱۳۶ فصلنامه علمی-تخصصی پژوهش در تاریخ

سیاحان بی‌شماری از پذیرایی ابتدایی با چای یا قهوه خبر داده‌اند. قطعاً چنین مشاهداتی مربوط به سفرهای رسمی بوده است که میهمان افراد رسمی کشور (شاه تا خان‌های محلی) بوده‌اند.

«ژوبر» فرانسوی که در سال ۱۸۰۶م. میهمان فتحعلی شاه در قزوین بوده است، می‌گوید با هر دو نوشیدنی چای و قهوه از او پذیرایی کرده‌اند.^۱ هموطن او «تکونینه» نیز در تهران به همین صورت پذیرایی شده است.^۲ در سال ۱۸۱۱م. اعضای سفارت‌خانه بوشهر- خلیج فارس قهوه نوشیده‌اند و در جاده کازرون به فارس نیز با همین نوشیدنی‌ها پذیرایی شده‌اند.^۳ «کانت فون کتزیو» می‌گوید در سلطانیه و تهران در سال ۱۸۱۷م. در مراسم مختلف با چای و قهوه از او پذیرایی شده است.^۴ در طول ملاقات خانم «شیل» در تهران با مادر شاه در سال ۱۸۵۰م. چندین مرتبه با چای، قهوه و قلیان پذیرایی شده است.^۵ «فلاندن» در سال ۱۸۵۰م. از طبقه متوسط مرفه جامعه ایران سخن می‌گوید که قلیان، چای و قهوه به میهمانانشان تعارف می‌کنند.^۶ «کنت دو گوینو» وقتی در سال ۱۸۵۵م. میهمان شاهزاده طهماسب مویید الدوله در شیراز بود، با هر دو نوشیدنی پذیرایی شده است.^۷ «لیکلاما» در سال ۱۸۶۰م. در دیوان ناصرالدین شاه

1 - P. Amédée Jaubert, *Voyage en Arménie et en Perse fait dans les années 1805 et 1806* (Paris, 1821), p. 206.

2- J. M. Tancoigne, *A Narrative of a Journey into Persia*, trans. from French (London, 1820), p. 101.

3- Sir W. Ouseley, *Travels in Various Countries in the East, More Particularly Persia*, 3 vols. (London, 1819), 1:189, 267.

4- M. von Kotzbue, *Narrative of a Journey into Persia in the Suite of the Imperial Russian Embassy in the Year 1817* (London, 1819), pp. 167, 235, 294, 297.

5- M. L. Sheil, *Glimpses of Life and Manners in Persia* (London, 1856), p. 133.

6 - E. Flandin and P. Coste, *Voyage en Perse de M. M. Eugène Flandin, peintre, et Pascal Coste, architecte, 1840-41*, 2 vols. (Paris, 1850-54), 2:55-56.

7- Comte de Gobineau, *Trois ans en Asie* (Paris, 1859), p. 168.

از قهوه تا چای؛ تغییر الگوی مصرف در ایران عصر قاجار ۱۳۷

(۱۸۴۸-۱۸۹۶) هر دو نوشیدنی را صرف کرده است.^۱ و در نهایت توضیحات «کارلا سرنا» در سال ۱۸۷۰م. بر این اساس است که قهوه جایگزین چای شده است و نوشیدنی ای است که میهمانان خارجی را با آن پذیرایی می‌کنند.^۲ این مثال‌ها بیانگر این مساله هستند که پذیرایی طبقه حکومتی ایران معمولاً شامل قهوه و چای می‌شده است. توضیح شفاف‌تر «کر پورتر» این است: «این نوشیدنی‌ها تشریفات جلسات رسمی در ایران هستند». او می‌افزاید که طبقات اجتماعی پایین‌تر قاعدتاً نان، میوه و آب را برای پذیرایی مصرف می‌کنند.^۳ مشاهدات پورتر با گفته‌های دروویل همخوانی دارد آنجا که او می‌گوید: مردم عوام قهوه می‌نوشند. طبقه اجتماعی پایین‌تر که نمی‌تواند قهوه مصرف کند، نوعی شربت یا آب شیرین - که از مخلوط آب با عسل که قهوه نیز به آن اضافه شده است (سکنجبین) می‌نوشند.^۴

افراد ثروتمند و قدرتمند جامعه مرتباً قهوه و چای مصرف می‌کنند و به نظر می‌رسد توزیع قهوه وابسته به منبع تأمین، قیمت و منطقه جغرافیایی باشد.

مشاهدات «پیتر گوردون» در سال ۱۸۲۰م. صحت این ادعا را ثابت می‌کند وقتی که چنین می‌نگارد: «به دلیل قیمت گران، چای در ایران مصرف زیادی ندارد».^۵ فریزر درباره نقش تفاوت جغرافیایی در توزیع در سال ۱۸۲۰م. می‌گوید: در بخش‌هایی از فارس که از خلیج فارس دور هستند و یا به مراکز بازاری دسترسی ندارند، این نوشیدنی^۶ محبوب به مقادیر بسیار کم یافت می‌شود و بعضاً وجود ندارد.^۶ فریزر هزاران مایل در ایران سفر کرده است و

1 - T. M. Lycklama a Nijeholt, *Voyage en Russe, au Caucase, et en Perse*, 4 vols. (Paris, 1872-75), 2:358.

2 - Carla Serena, *Les hommes et les choses en Perse* (Paris, 1883), p. 67.

3 - Porter, *Travels*, 2:41.

4 - Drouville, *Voyage*, 1:68-69.

5- Peter Gordon, *Fragment of the Journal of a Tour through Persia in 1820* (London, 1833), p. 100.

6- James B. Fraser, *Travels and Adventures in the Persian Provinces on the Southern Banks of the Caspian Sea* (London, 1826), p. 105.

مناطق شهری و روستایی و عشایری دور از دسترس را از نظر گذرانده است، پس می‌توان به تجربیات او استناد بیشتری کرد. او می‌گوید در شمال خراسان قهوه به ندرت دیده می‌شود و تنها در خانه ثروتمندان و نجیب‌زادگان یافت می‌شود. از سوی دیگر چای همیشه قابل حصول بوده و به وقت خود به میهمانان تعارف می‌شود. زمانی که او در سفرش به استان مازندران و دریای خزر رسید. فریزر می‌گوید به خاطر نمی‌آورم در این مناطق این دو نوشیدنی (چای یا قهوه) مصرف نشده و یا در بازار موجود نباشد.^۱ پس می‌توان گفت چای بیشتر در مناطق شمالی یافت می‌شود. با این حال واژه شمال واژه مبهمی است، زیرا که در این قسمت تنوع فراوانی دیده می‌شود.

چای ازبک که مردم چادر نشین شمال خراسان آن را مصرف می‌کردند، تنها چای در دسترس آنها نبود.^۲ رسم معمول این بوده است که در مراکز شهری مثل مشهد، نوشیدن چای سبز چین در مهمانی‌های سنتی مرسوم بوده است.^۳ از دیگر سو به نظر نمی‌رسد که این نوشیدنی‌ها در مناطق شمال غربی، مثل ارمنستان و گرجستان، در سال ۱۸۰۰م. معمول بوده باشد. «فرینگانگ» آلمانی که در سمت نماینده تزار روسیه در سال ۱۸۱۲م. از تبریز تا تفلیس را بازدید کرده است، در صحبت‌هایش به وجود قهوه و چای در عادت غذایی ایرانیان اشاره

1- Ibid.

2- For nineteenth-century references to tea among the Uzbegs, see M. Elphinstone, *An Account of the Kingdom of Caubul* (London, 1815), p. 470; Arthur Conolly, *Journey to the North of India Overland from England through Russia, Persia, and Affghaunistan*, 2 vols.

(London, 1834), 1:54–55; and Lieutenant Alexander Burnes, *Travels to Bokhara, Being an Account of a Journey from India to Cabool, Tartary, and Persia . . . in the Years 1831, 1832, and 1833*, 3 vols. (London, 1834), 1:221, 2:436–37. See Xavier Hommaire de Hell, *Les steppes de la mer caspienne*, 2 vols. (Paris, 1843), 2:104, for tea drinking among the Kalmyks.

3- See James B. Fraser, *Narrative of a Journey into Khorasan in the Years 1821 and 1822* (London, 1825), p. 489; Conolly, *Journey to the North of India*, 1:301.

از قهوه تا چای؛ تغییر الگوی مصرف در ایران عصر قاجار ۱۳۹

می‌کند. هر چند که سفرنامه او محدود به مشاهداتش از ارمنستان و آذربایجان می‌شود.^۱ به دلیل نبودن منبعی درست، فرض بر این است که چای در شمال غرب ایران غیر معمول بوده است. زیرا که همسر فریگانگ هم در نامه‌هایش از تفلیس نامی از آن نبرده است، درحالی‌که عمده ویرانی‌ها و دیگر مکانهای قفقاز در آن ذکر شده است. در برخی از نامه‌هایش منابع غذایی ذکر شده‌اند، البته وقتی که او از شام مفصلی که برایش تدارک دیده شده بود توصیف می‌کند، از حضور چای در آن سخن می‌گوید.^۲ مردم قفقاز مثل قراچای و اوستیا (قفقاز مرکزی) در این دوره چای مصرف نمی‌کردند.^۳

مشابه همین امر در دو ایالت گیلان و مازندران در سال‌های اولیه ۱۸۲۰م. مشاهده می‌شود، این دو استان خزری به واسطه کوه‌های بلند از بقیه ایران جدا می‌شوند و فریزر درباره آنها می‌گوید: «چای یا قهوه اصلاً در این مکان‌ها وجود ندارد». او مقدار کمی از چای را به سختی و با هزینه گزافی تهیه کرده است و وقتی از مردم محلی درباره قهوه می‌پرسد متوجه می‌شود که مردم با نام آن آشنا بودند.^۴ بیست سال بعد «ریچارد ویلیام هولمز» که از آذربایجان، گیلان و مازندران عبور کرده است، در سفرنامه خود مکرراً از پذیرایی خان‌های محلی با چای می‌گوید. اما او هرگز نمی‌گوید که چای در محیط عوام نیز مصرف می‌شده یا در بازار در دسترس بوده است.^۵ بر اساس گفته‌های او، مقدار کمی از چای از روسیه به استرآباد (که دروازه ایران از ترکمنستان محسوب می‌شود) وارد می‌شود.^۶ به نظر می‌رسد که رابطه مشخصی بین محدوده

1- M. Freygang, "Account of a Journey to Tabriz," in M. Freygang and F. K. Freygang, *Letters from the Caucasus and Georgia*, trans. from French (London, 1823), p. 341. This work was apparently first published in German.

2- Ibid., pp. 132, 134–36, 163–65.

3- See J. Klaproth, *Voyages au Mont Caucase et en Géorgie*, 2 vols. (Paris, 1823), 1:299, 2:266.

4- Fraser, *Travels and Adventures*, p. 105.

5- William Richard Holmes, *Sketches on the Shores of the Caspian* (London, 1845), pp. 61, 73, 268.

6- Ibid., p. 282.

جغرافیایی و میزان نفوذ و توزیع چای وجود داشته باشد. نمونه‌هایی مثل گیلان و مازندران صحت این ادعا را تأیید می‌کنند. (به این جهت که مناطق دور از دسترس، موانعی بر سر راه توزیع چای هستند) در همان زمان مشاهدات این مسافران نشان دهنده تأثیرات متمایزکننده وضعیت مالی هستند. عدم موفقیت آنها در یافتن چای در بازار عوام بیانگر عدم مصرف چای توسط عوام است. فریزر می‌گوید در عادات غذایی قبایل ترکمن خراسان و جمعیت چادرنشین فقیرتر شمال، چای دیده نمی‌شود. ترکمن‌ها بجز شکر، تمام مواد مصرفیشان را خود تولید می‌کنند. آنها مخلوطی از آبدوغ و آب را با وعده‌های غذایی خود می‌نوشتند.^۱ این نوشیدنی حتی با قلیان هم مصرف می‌شود، در حالی که می‌دانیم در اکثر مناطق قلیان با چای یا قهوه صرف می‌شود.^۲

تفاوت بین الگوهای مصرفی ترکمن‌ها و ازبک‌ها ممکن است در نتیجه وضعیت مالی و قابلیت تهیه مواد باشد. تا میانه‌های قرن بیستم، فقدان دسترسی ایرانیان به کشت چای و فقر موجود در مناطق دورافتاده ایران، مانع از تهیه آن در این مناطق می‌شد. در قرن نوزدهم که چای تنها کالای وارداتی بود، بسیاری از مردم قادر به تهیه آن نبودند. سیاحان بسیاری نیز در سال ۱۸۰۰م. گفته‌اند که قیمت آن بسیار بالا بوده است. ادوارد استرلینگ نقل کرده است که چای از قسمت‌های شمالی چین و از طریق بخارا وارد می‌شده است و هزینه‌ای معادل ۴۰ روپیه به ازای هر من داشته است (۱۳ پوند). او اضافه می‌کند قهوه به‌ندرت فروخته می‌شده چون در بازارها چیزی مشاهده نمی‌شده است.^۳ در مورد توزیع نوشیدنی‌های کافئین‌دار، جنوب ایران نیز وضعیتی مشابه شمال آن دارد. جی. اچ. سیدون، سیاح انگلیسی که در سال ۱۸۳۱م. از خوزستان، در جنوب غربی استان اصفهان و از قلمرو بختیاری سفر کرده است، می‌گوید عادت

1- James B. Fraser, *A Winter's Journey from Constantinople to Tehran*, 2 vols. (London, 1838), 2:151; Fraser, *Narrative of a Journey into Khorasan*, pp. 264, 283.

2- Fraser, *Narrative of a Journey into Khorasan*, p. 603.

3- Edward Sterling, *The Journals of Edward Sterling in Persia and Afghanistan 1828-1829*, ed. Jonathan L. Lee (Naples, 1991), p. 179.

از قهوه تا چای؛ تغییر الگوی مصرف در ایران عصر قاجار ۱۴۱

غذایی مردم بختیاری ترکیبی از ماست، گوشت بز، شیر بز و مازو (میوه تیره درخت بلوط) است. اینکه بختیاری‌ها چای یا قهوه مصرف نمی‌کنند را مشاهدات این فرد تقویت می‌کند، زیرا که او می‌گوید در این مناطق مسافر باید بیشتر روزه باشد زیرا «او تصادفاً به منطقه‌ای وارد شده و تنها کمی ماست و شیر برای خوردن است».^۱ اینکه قهوه و چای در میان چادرنشینان ایرانی مرسوم نبوده است نیز در اواسط قرن نوزدهم توسط مشاهدات «بارون دو بوده» تقویت می‌شود، او می‌گوید نوشیدنی محبوب چادرنشینان جنوب غربی ایران مخلوطی از شیر ترش، آب و نمک است.^۲ با این مطالب می‌توان این طور نتیجه گرفت: «چای نوشیدنی مناطق شمالی ایران بوده، در حالی که قهوه در جنوب، جنوب غرب و مناطق غربی هم‌مرز با قلمرو عثمانی یافت می‌شده است» دابلیو هالینگبری در سال ۱۸۰۰م. در شیراز با قهوه پذیرایی شد.^۳ اسکات وارینگ در سال ۱۸۰۲م. در بوشهر در ساحل خلیج فارس قهوه نوشیده است.^۴ هنری پاتینگر از این نوشیدنی در سال ۱۸۱۰م. در کرمان استفاده کرد.^۵

کلودیوس جیمز ریچ در سال ۱۸۲۰م. در سنجکردستان قهوه نوشید.^۶ سیدون در سال

1- J. H. Stocqeler (pseudonym of J. H. Siddon), *Fifteen Months Pilgrimage through Untrodden Tracts of Khuzistan and Persia*, 2 vols. (London, 1832), 1:119, 121.

2 - Baron C. de Bode, *Travels in Luristan and Arabistan*, 2 vols. (London, 1845), 2:108.

3- W. Hollingbery, *A Journal of Observations Made during the British Embassy to the Court of Persia in the Years 1799–1801* (Calcutta, 1814), p. 50.

4 - Edward Scott Waring, *A Tour to Sheeraz* (London, 1817), p. 8.

5 - Henry Pottinger, *Travels to Beloochistan and Sinde* (London, 1816), pp. 210–11.

6 - Claudius James Rich, *Narrative of a Residence in Koordistan*, 2 vols. (London, 1836), 1:203.

۱۸۳۱م. در «دورق» در خوزستان و بهبهان قهوه نوشیده است.^۱ در سال ۱۸۵۶، درست در زمانی که چای در همه مناطق جایگزین قهوه می‌شود، «ویلیام اشتون شفر» در بوشهر به قهوه دعوت شد.^۲ همانگونه که وجود چای در تمامی مناطق شمالی ایران معمول نبود، قهوه نیز در جنوب در دسترس همگان قرار نداشت و کمبود آن منحصر به چادر نشینان فقیر نمی‌شد. سیدون با قاطعیت درباره کمیابی نسبی قهوه در جنوب ایران در مقایسه با مناطق غرب و جنوب غرب سخن می‌گوید. در یادداشت‌های او آمده است: «لحظه‌ای که غریبه‌ای وارد چادر اعراب بدوی یا کلبه عثمانی‌های فقیر می‌شود، قهوه و چپق به او تعارف می‌شود، در حالی که وقتی از مرزها عبور کرده و خود را در فارس می‌یابد با تغییر شکل مهمان‌نوازی مواجه می‌شود و آن شربت اشتها آور تلخ و سیاه را با طعم دلپذیر شربت و خواص آرامش‌بخش قلیان از خاطر می‌برد».^۳

پس می‌توان گفت در دوران اولیه قاجار قهوه و چای مصرف نمی‌شده‌اند. تفاوت‌های منطقه‌ای مهمی در الگوهای مصرف مشاهده می‌شوند که به وضعیت اقتصادی افراد و جغرافیای منطقه بستگی دارند. عامل جغرافیا را می‌توان برای این حقیقت که چای و قهوه نوشیدنی‌های شهری محبوبی هستند نیز موثر دانست.

از قهوه تا چای

تغییر قهوه به چای در ایران عصر قاجار چگونه رخ داد؟ تغییر از قهوه به چای در کشورهای مختلف در اثر تفاوت‌های منطقه‌ای و مذهبی بین این دو نوشیدنی بوده است و بنابراین کمتر مورد توجه مورخان قرار گرفته است، بدون شک از آنجایی که این دو نوشیدنی بسیار شبیه به

1 - Stocqeler, *Pilgrimage*, 1:75, 99–100, noted that coffee in Behbahan was not drunk but eaten as “a kind of bon-bon” in a “powdered and roasted state, without having had any connexion with hot water.” Fine coffee in Iran was commonly eaten in this manner. See G. Troll, “Die Genussmittel des Orients: Kaffee,” *Österreichische Monatschrift für den Orient* 16 (1890): 59.

2- William Ashton Shepherd, *From Bombay to Bushire, and Bussora* (London, 1857), pp. 134–135, 148.

3- Stocqeler, *Pilgrimage*, pp. 213–14.

از قهوه تا چای؛ تغییر الگوی مصرف در ایران عصر قاجار ۱۴۳

یکدیگر هستند کمتر مورد بحث و تحقیق جداگانه قرار گرفته است. به عنوان مثال شیفلبوش چند دستگی تغییر در ذائقه افراد در انگلستان در مورد نوشیدن چای یا قهوه را بی اهمیت دانسته و می گوید از آنجایی که این تغییر در فرهنگ مصرف که ابتدا قهوه آن را متحول کرده، اتفاق افتاده است، اهمیت چندانی ندارد.^۱

دیگر افراد نیز تفاوت بسیاری بین این دو نوشیدنی قائل نیستند، از این جهت که هر دوی آنها از مواد کافئین دار و فاقد آهن می باشند.^۲ با این وجود این فرضیه به مصرف توجهی نداشته و الگوهای اجتماعی، اقتصادی و زندگی سیاسی را در مصرف قهوه یا چای در نظر نمی گیرد. در بررسی در خصوص این مطلب در ایران که در شهرهای بزرگ انجام شده است، شواهد حاکی از آن است که اولاً قهوه به تدریج به نوشیدنی ای تبدیل می شود که بطور مرتب مصرف می شده است و ثانیاً، مصرف و در دسترس بودن چای در مناطقی که قبلاً مرسوم نبوده افزایش کلی در کشور داشته است.

بنابراین در حصول قهوه، ایران مشابه انگلستان است و تنها در دوران های بعدی که با مثال به آنها اشاره شد از مصرف قهوه به چای روی می آورد. زیرا که قهوه خانه های ایرانی موجود در مدت زمان زیادی بجای قهوه، با چای از مشتریان خود پذیرایی می کردند. علیرغم اینکه فریزر اثری از چای در مازندران نیافت، از «ریچارد ویلبراهام» در سال ۱۸۲۰م. با «چای عالی» در ولایت بارفروش (بابل امروزی) پذیرایی شد. همین شخص در سال ۱۸۳۸م. به وجود چای در تفلیس اشاره می کند.^۳ یعنی همان مکانی که بیست سال قبل همسر فریگانگ از آن نام نبرده است.^۴ در حالیکه تانکویگنه و پورتر در دهه های نخست قرن از صرف صبحانه با قهوه سخن

1- Schivelbusch, *Tastes of Paradise*, p. 83.

2- Hélène Desmet, "Approches méthodologiques pour l'étude des cafés dans les sociétés du Proche-Orient," in *Contributions au thème du et des cafés*, ed. Desmet-Grégoire, p. 35.

3- Richard Wilbraham, *Travels in the Transcaucasian Provinces of Russia* (London, 1839), p. 466.

4- *Ibid.*, p. 179.

می‌گویند.^۱ رابرت بینینگ در سال ۱۸۵۱م. می‌گوید صبحانه با چای صرف می‌شود.^۲ آخرین نمونه از تغییرات عمده که در نیمه نخست قرن نوزدهم می‌توان بدان اشاره کرد را در نوشته‌های جان ملکم در سال ۱۸۰۰م. با محوریت قهوه، و لیکلاما در سال ۱۸۶۰م. در موضوع چای یافت. ملکم در اثر خود نامی از چای نبرده است، اما شگفتی خود را از چگونگی مشخص شدن بغرنج بودن وضعیت طبقات اجتماعی، در نحوه مصرف تنباکو و قهوه در آداب و رسوم و تشریفات پذیرایی، ابراز می‌کند. در مقابل لیکلاما قهوه را نوشیدنی مرسوم ایران ندانسته^۳ و بر این باور است که «چای نوشیدنی مرسوم ساکنان مناطق مختلف کشور ایران است».^۴

مشخص نمودن زمان دقیق تغییر ذائقه ایرانی از قهوه به چای تقریباً غیرممکن است، چرا که این تغییر دفعی و یکباره نبوده و روند تدریجی طولانی مدتی داشته است. آغاز این تغییر عموماً بین سالهای ۱۸۳۰ تا ۱۸۵۰م. می‌باشد. جیکوب پولاک در سال ۱۸۵۰م. می‌گوید که به دلیل جنگ‌های داخلی قرن هجدهم، چای در ایران بی‌مصرف مانده است، از آنجایی که عباس میرزا، شاهزاده ایرانی بسته‌های بسیار کمی چای به عنوان هدیه دریافت کرده است.^۵ مورخ ایرانی قرن معاصر، فریدون آدمیت نیز بر همین عقیده است و می‌گوید در اواخر ۱۸۴۰م. و با ورود سماور در دوره وزارت امیرکبیر، صدر اعظم قاجار، چای نیز وارد ایران شد. هر چند دو موردی که به آنها اشاره کردیم ممکن است نامعتبر باشند، زیرا که آنها شایع شدن چای را پیامد یک واقعه منفرد می‌دانند.^۶ ادعای آنان مبنی بر «بازگشت» چای به ایران در سال‌های ۱۸۲۰ و

1- Tancoigne, *Narrative*, p. 175; Porter, *Travels*, 1:241.

2- Robert B. M. Binning, *A Journal of Two Years' Travel in Persia, Ceylon, etc.*, 2 vols. (London, 1857), 1:317.

3- Sir John Malcolm, *Sketches of Persia from the Journals of a Traveller in the East* (Philadelphia, 1828), pp. 79-80.

4- Lycklama a Nijeholt, *Voyage*, 2:105, 243.

5- Jacob E. Polak, *Persien, das Land und seine Bewohner*, 2 vols. (Leipzig, 1865), 2:265.

۶ - فریدون آدمیت، امیرکبیر و ایران، ویراست چهارم (تهران، ۱۳۵۴)، ص ۱۸-۲۱۶.

از قهوه تا چای؛ تغییر الگوی مصرف در ایران عصر قاجار ۱۴۵

۱۸۵۰م. که با پیدایش مجدد قهوه‌خانه‌ها در مراکز شهری همراه است، نادرست است. همان قهوه‌خانه‌هایی که کنت دو گوینو در سال ۱۸۵۰م. از آنها به عنوان ابداعات جدید ایران نام می‌برد.^۱

تکمیل فرآیند شایع شدن چای نیز مانند آغاز آن آسان نیست. عبدالله مستوفی، نویسنده و سیاست‌مدار ایرانی، که در سال ۱۸۷۶م. متولد شد، در شرح حال خود به این مطلب اشاره می‌کند که چه مدت زمانی طول کشید تا چای تبدیل به نوشیدنی محبوب خانگی مردم ایران شود. او می‌گوید در اوایل جوانی اش چای مرسوم نبوده و بعدها جایگزین آبمیوه شد.^۲ بطور کلی بهتر است اینطور گفته شود که تا قبل از سال ۱۸۸۰م. چای هنوز نوشیدنی‌ای بود که افراد فقیر قادر به تهیه آن نبودند. با ورود به قرن بیستم، دیگر تمامی طبقات اجتماعی به مقادیر قابل توجهی چای مصرف می‌کردند.^۳ عمومیت یافتن چای در مناطق روستایی ایران با ورود کاشت چای در قرن نوزدهم آغاز و تا دوران اخیر ادامه پیدا کرده است. با این وجود در اواخر ۱۹۶۰م. هنوز مصرف چای و شکر در میان خانواده‌های فقیر مناطق دور افتاده غیر معمول بود.^۴

با این وجود هیچ کدام از این موارد توضیح و قیاسی که سبب تغییر ذائقه ایرانیان از قهوه به چای شد نیستند، و هنوز مشخص نیست چرا چای به ایران بازگشت، در حالی که قهوه حتی محبوبیت منطق‌ای سابق خود را باز نیافت. اگر بخواهیم به قلمرو حدس و گمان وارد شویم، ابتدا بایست به زمینه فرهنگی تفوق احتمالی چای اندیشید. ماده‌ای که نقش عمده در این حوزه

1- De Gobineau, *Trois ans en Asie*, p. 467.

۲ عبدالله مستوفی، شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجار، ۳ جلد (تهران، ۱۳۶۰)، ج ۱، ص ۱۸۲.

3- The American missionary Samuel Wilson, whose observations were made in the 1890s, noted that tea in a teahouse cost half a cent. See S. G. Wilson, *Persian Life and Customs* (London, 1900), p. 253.

4- See Tapper, "Blood, Wine and Water," p. 218.

جهت معرفی کشت چای بومی در استان‌های حاشیه دریای خزر در ایران در اواخر قرن بیستم به ثریا کاظمی، حاج محمود میرزا کاشف السلطنه، «پدر چای» (تهران، ۱۳۷۲) رجوع کنید.

دارد شکر است. مردم ایران قهوه را با شکر نمی‌خورند. اما همان گونه که اولتاریوس می‌گوید، ایرانیان چای را با شکر مصرف می‌کردند، خیلی پیشتر از آنکه چای شیرین در اروپا معمول شود. در حقیقت این نمونه ایرانی نقش قابل توجهی برای مصرف چای شیرین در انگلستان و هلند در اواخر قرن هفدهم داشته است.^۱ در دوران صفویه بسیاری از سیاحان از حبه شیرینی که در ایران وجود دارد گفته‌اند: شکر و حبه شکر به وفور توسط افرادی که از مهمانان پذیرایی می‌کردند استفاده می‌شد و مقادیر بالای آن نیز به جهت استفاده ثروتمندان وارد می‌شد. بنابراین می‌توان دریافت که بین میل باطنی مردم ایران برای غذاها و نوشیدنی‌های شیرین و این نوشیدنی (چای) که شکر ماده افزودنی آن بود، توافق وجود داشته است، علی‌الخصوص اینکه چای و شکر بطور همزمان اما جدا از هم مصرف می‌شده‌اند.^۲

فرض داشتن یک پیش زمینه برای چای، پاسخی است برای این پرسش ناپرسیده که چرا ایرانیان چای را مدتها قبل از قرن نوزدهم ترجیح نمی‌دادند و همچنین نگاه‌ها را به سوی حقیقت پیچیده تغییر ذائقه‌ها معطوف می‌سازد. وجود مشکل در ایجاد چارچوب کاری معمول و دقیق برای تغییر ذائقه، در داستان پیچیده تصمیم‌گیری در مورد چای در انگلستان و هلند (جوامعی که به نسبت ایران، مدارک بهتری ارائه می‌کنند) نشان داده شده است. وقتی چای در قرن هجدهم در ردیف نوشیدنی‌های عالی قرارگرفت، در انگلستان تمایل مصرف‌کنندگان نیز برای آن بیشتر شد. اصلاح‌طلبان اجتماعی و روزنامه‌نگاران از چای به‌عنوان نوشیدنی مد روز، قابل احترام، پادزهر الکل و بطور کلی نوشیدنی سالم برای بدن و آرامش روانی یاد نموده و از آن حمایت می‌کردند. در هلند نیز توزیع قهوه و چای به‌عنوان نوشیدنی روزمره سبب تغییراتی در

1- For the introduction of the habit of sweetening tea in Europe, see Smith, "Complications of the Commonplace."

2- Since the seventeenth century, the Iranian way of drinking tea has been to put a lump of candy sugar between the teeth before imbibing the liquid, which dissolves the sugar as it passes into the mouth. See Père Jacques Villote, S.J., *Voyages d'un missionnaire de la Compagnie de Jésus en Turquie, en Perse, en Arabie et en Barbarie* (Paris, 1730), pp. 521-25.

از قهوه تا چای؛ تغییر الگوی مصرف در ایران عصر قاجار ۱۴۷

روابط اجتماعی، عادات غذایی و وضعیت اجتماعی شده است.^۱ به این مطلب که افزایش مصرف چای یا قهوه در ایران با مبارزات دولت و روحانیت بر علیه الکل مرتبط است در منابع و مآخذ اشاره نشده است. (از آنجایی که در تاریخ مصرف زیاد قهوه و چای در ایران اسلامی اتفاق افتاده است.)

آنچه به روایت انگلیسی (و هلندی) آورده شده است، موقعیت ایرانیان را در رابطه با علل رشد مصرف چای به وضوح بیان می‌کند، که مشابه دلیل افزایش مصرف در انگلستان و هلند بود. داستان اصلی چای به عباس میرزا، که پیشتر از او یاد شده است، نسبت داده می‌شود. او می‌گوید اولین سماور روسی به دولتمرد گیلانی در سال ۱۸۲۱م. پیشکش شد. کمی پس از آن این مامور دولتی این وسیله را به همراه دختری در اندرونی که طریقه آماده‌سازی چای با آن را فراگرفته بود به فرمانروای قاجار، فتحعلی شاه پیشکش کرد.^۲ با وجود اینکه تاریخ دقیق معرفی دوباره چای در اولین مقبولیت آن مشخص نیست. هر دو منبع نقل این داستان بر این باورند که چای ابتدا به دربار راه یافته است. علاوه بر این در داستانی دیگر، آورده‌اند که وزیران دیوان و نجیب‌زادگان سماور را استعمال کرده و پس از استفاده آنان به طبقات متوسط جامعه نیز کشیده شده است. ناظران خارجی و منابع فارسی زبان بر این عقیده‌اند که چای ابتدا در میان طبقات بالای جامعه شهرت یافته و مصرف شده و پس از مقبولیت یافتن نزد آنان به گروه‌ها و طبقات اجتماعی دیگر نیز راه یافته است. آنان سماور را به‌عنوان وسیله‌ای خانگی تهیه کرده‌اند. آر. میگنان در سال ۱۸۳۰م. از چای به‌عنوان کالایی مد روز یاد می‌کند. او می‌گوید تمامی کسانی که آن را تهیه می‌کنند، عادت به نوشیدن چای در طول روز دارند. حتی در آذربایجان نیز پذیرایی از مهمان با یک فنجان قهوه یا چای مرسوم است. استفاده از این نوشیدنی در بخش‌های شمالی سرزمین ایران رواج یافته است، هر چند که هنوز هزینه زیادی برای آن پرداخت می‌شود.^۳ جی.

1- See Johannes Jacobus Voskuil, "Die Verbreitung von Kaffee in den Niederlanden," in *Wandel der Volkskultur*, ed. Bringéus et al., pp. 407–28.

۲ - مراجعه کنید به: ایرج افشار، «گوشه ای از تاریخ چای»، آینده ۱۷ (۱۳۷۰): ص ۷۶۸.

3- R. Mignan, *A Winter Journey through Russia, the Caucasian Alps, and Georgia*, 2 vols. (London, 1839), 1:175–76.

پرکینز که مشاهدات او به زمان میگنان در سال ۱۸۳۰م. بازمی‌گردد، بیشتر بر تفوق چای تاکید می‌کند. او می‌گوید: «در درخواست‌های مبادلاتی و طبقات اجتماعی بالا در پارس چای نوشیدنی است که معمولاً در پذیرایی‌ها وجود دارد. گاهی با قهوه و چای پذیرایی می‌شود. اگر جلسه یا مهمانی رسمی تر باشد، قهوه، چای، گلاب با هم آورده می‌شوند (گلاب برای معطر کردن نان به کار می‌رفته است)، اما وقتی مهمان از احترام خاصی برخوردار است، نه قهوه و نه گلاب و نه هر دوی آنها با هم نمی‌توانستند جایگزین چای شوند».^۱ کمتر از یک نسل بعد، پولاک به پیشرفتی در مصرف چای اشاره کرده و می‌گوید: «این روزها نمی‌توان خانواده ثروتمندی را دید که سماور روسی نداشته باشد.»^۲ در طی سی سال بعد مصرف و توزیع چای بیشتر شد.

در المآثر و الآثار که یکی از منابع موثق فارسی است که در سال ۱۸۸۰م. نوشته شده است. با اینکه چای در سابق به مصرف عده معدودی محدود می‌شد، اکنون نوشیدنی عام است. بدین طریق که همه مردم از شهرنشینان تا گروه‌های روستانشین در صبحانه و شام خود آنرا مصرف می‌کنند.^۳ به عبارت دیگر همچون گرایش‌هایی که در قرن هجدهم و نوزدهم در انگلستان و روسیه مشاهده شد، ایران در طول زمان دستخوش جنبشی از پایین شد. این فرآیند در نتیجه وضعیت تقاضا و قابلیت حصول چای، بیش از حبه شکر بود. در المآثر و الآثار به این مورد اشاره نشده است که چگونه این فرآیند باعث فقیر شدن نواحی روستایی کشور شد، نواحی‌ای که تقریباً می‌توان گفت قهوه‌خانه‌ای نبود و هزینه چای و شکر عاملی برای عدم مصرف بسیاری از مردم به ویژه در قرن بیستم شد.^۴

با رجوع به منابع پیش‌تر می‌توان دریافت که مصرف چای در نواحی شمالی و شیوع آن از

1- J. Perkins, A Residence of Eight Years in Persia, among the Nestorian Christians: with Notices of the Muhammedans (Andover, Mass., 1843), p. 270.

2- Polak, *Persien*, 2:265.

۳- میرزا محمد حسن خان اعتماد السلطنه، کتاب المآثر و الآثار، تهران، ۱۳۰۶ق، ص ۱۰۲-۱۰۱.

4- See *Encyclopaedia Iranica*, vol. 5 (Costa Mesa, Cal., 1992), s.v. "Chay," p. 103.

از قهوه تا چای؛ تغییر الگوی مصرف در ایران عصر قاجار ۱۴۹

دربار آغاز نشده است.

عامل اصلی تغییر از قهوه به چای را می‌بایستی در افزایش تعاملات سیاسی و اجتماعی بین ایران و جهان خارج، علی‌الخصوص روسیه و انگلستان که مصرف‌کننده چای بوده و شرکای تجاری ایران در جهت افزایش اهمیت چای بودند، جستجو کرد. افزایش تأثیر روسیه بر ایران به اوایل قرن نوزدهم، دوران برخاستن سلسله قاجار و توسعه طلبی روسیه به سمت جنوب باز می‌گردد. وقتی روسیه بر ترکمنستان و گرجستان پیروزی یافته و این نواحی را از لحاظ سیاسی و اقتصادی با خویش ادغام کرد. با تأسیس تهران به‌عنوان پایتخت قاجار، مرکز ثقل ایران به شمال منتقل شد، و قاجاریه که خود اصلیت شمالی داشتند به تهران نقل مکان کردند. تأثیر فرهنگ روسی مبنی بر تغییر سریع ذائقه به چای بر ایران در قرن نوزدهم موضوعی مورد تامل باقی ماند. اما با وجود منابع موجود در جامعه بازرگانی روسی در تبریز و استفاده از سماور در آن نواحی، گویای این امر است که مهاجرت‌ها برای کسب و کار و گسترش روابط تجاری باعث همگرایی ایران و روسیه در عادات‌های مصرفی شد.^۱ بسیاری از ایرانیان نیز ساکن روسیه شدند. فیلیپی، گیاه‌شناس ایتالیایی در سال ۱۸۶۲م. می‌گوید در حدود ۵۰ هزار ایرانی در سرتاسر قفقاز زندگی می‌کنند و علت مهاجرت آنها نیز پیدا کردن شغل بوده است.^۲ علاوه بر این وقتی در سال ۱۸۳۰م. روسیه صادرات کالا به ایران و آسیای مرکزی را آغاز کرد، بازرگانان ایرانی از نمایشگاه تابستانه سالانه «نیژنی نووگروود» بازدید کردند^۳ که چای چینی یکی از کالاهای

۱ - مراجعه کنید به افشار، «گوشه ای از تاریخ چای»، ص ۷۶۸

2- F. de Filippi, *Note di un viaggio in Persia nel 1862* (Milan, 1865), p. 51.

3- N. G. Kukanova, *Ocherki po istorii russko-iranskikh torgovykh otnoshenii v XVII-pervoi polovinie XIX veka* (Saransk, 1977), p. 205; and M. v. Bulmerincq, "Die Jahrmärkte Russlands, insbesondere jener von Nischni-Nowgorod," *Globus, illustrierte Zeitschrift für Länderund Völkerkunde* 6 (1864): 298-301; and Anne Lincoln Fitzpatrick, *The Great Russian Fair: Nizhnii Novgorod, 1840-90* (Basingstoke, 1990), pp. 82, 91.

اصلی این نمایشگاه محسوب می‌شد.^۱ در سال ۱۸۸۰م. ایرانیان بزرگترین گروه تاجران آسیایی بودند که از نمایشگاه بازدید کردند. در مقابل در سال ۱۸۳۰م. بیشتر روسیان تاجر بودند و در شهرهای شمالی ایران مثل تبریز، رشت، انزلی، اردبیل، استرآباد و تهران ساکن شدند و اغلب سال‌ها در ایران زندگی کردند. بی شک استفاده بیشتر سماور در ایران، در روند این پیشرفت‌ها نقش داشته است. کنلن پلی بریتانیایی در سال ۱۸۶۲م. به این نکته اشاره کرده و می‌گوید: «می‌توان گفت در تمامی قسمت‌های شمالی ایران، سماور از نمایشگاه‌های بزرگ دریای خزر وارد شده و ملت‌های اروپایی حاضر در ایران نقشی در این تاثیرپذیری نداشته‌اند».^۲

شاید بتوان توزیع چای را بیشتر از طبقه‌های بالای اجتماعی به هجوم بیگانگان در سال ۱۸۷۰م. نسبت داد که بسیاری از آنها انگلیسی‌هایی بودند که از ایران بازدید کرده و به تعداد زیاد در شهرهای اصلی ایران اقامت گزیدند. در کتاب جغرافیای اصفهان ایران که در اواخر ۱۸۷۰م. نوشته شده است آورده‌اند که توزیع چای با آمد و شد سیاحان و بیگانگان در ارتباط بوده است.^۳ متأسفانه شاهد عینی دیگری برای تایید این فرضیه موجود نیست.

شرایط اجتماعی، افزایش استانداردهای زندگی شهرنشینان و توسعه اجتماعی و فرهنگی از جمله عوامل اصلی محبوبیت بیش از پیش چای در ایران هستند. تقاضای بیشتر که با قابلیت تهیه رابطه مستقیم دارد، بدون افزایش حجم تهیه و تامین ممکن نیست. تا اوائل کشت بومی چای، درابتدای قرن بیستم چای یکی از کالاهای عمده ایران محسوب می‌شد. بنابراین می‌توان برای دستیابی به سرخ‌های بیشتر، درباره تأثیرات قیمت، توزیع و الگوهای در حال تغییر تجاری و سیاسی خارجی تحقیقات بیشتری انجام داد. بخشی از تهیه و شیوع روز افزون چای بر قهوه در کشور انگلستان در نتیجه انحصاری کردن تدریجی تجارت چای توسط شرکت

1- Nicolaus v. Nassakin, "Von der Messe in Nishni-Nowgorod," *Österreichische Monatschrift für den Orient* 12 (1886): 168.

2- Lieutenant Colonel Lewis Pelly, "Remarks on the Tribes, Trade and Resources around the Shore Line of the Persian Gulf," *Transactions of the Bombay Geographical Society* 17 (1863-64):55.

۳- میرزا حسین خان، جغرافیای اصفهان، مصحح منوچهر ستوده، (تهران، ۱۳۴۲)، ص ۱۲۰-۱۲۱.

از قهوه تا چای؛ تغییر الگوی مصرف در ایران عصر قاجار ۱۵۱

قدرتمند هند شرقی بود. در مقابل تجارت قهوه به دست اندک بازرگانان مستقل، با شبکه‌های توزیع توسعه یافته باقی ماند.^۱ حال سوال این است که آیا ایران هم دستخوش همین وقایع بود؟ در قرن هفدهم تمامی قهوه‌های مصرفی ایران از شبه جزیره عربی و مخصوصاً از «المخا» شهر بندری یمن که بازار فروش تجاری محصولات منطقه‌ای بود وارد می‌شد. در اوائل قرن هجدهم، شرکت هند شرقی هلند که تأمین‌کننده بخش اعظم قهوه مصرفی ایران بود، درصدد برآمد تا از کنترل خود بر مجمع‌الجزائر هند شرقی استفاده کرده و جزیره جاوه را به منبع اصلی تأمین غلات مبدل کند. موفقیت این شرکت دیری نپایید. وقتی فعالیت‌های تجاری هلند در خلیج فارس دچار تزلزل شد، اعراب نقش تأمین‌کننده اصلی قهوه را به همراه بازرگانان ایرانی بر عهده گرفتند. به نظر می‌رسد که قسمت عمده قهوه ایران در اواخر قرن ۱۸م. و دهه‌های نخست قرن نوزدهم از جانب عرب‌ها تأمین می‌شده است.^۲ اما با این وجود همچنان مقادیری از قهوه از جاوه و سیلان به ایران وارد می‌شده است.^۳

برخی از محموله‌های کشتی از بنادر خلیج فارس وارد ایران شدند. در حالی که دیگران به صورت زمینی و از مسیر بغداد (که اواخر قرن هجدهم مسیر تجاری اصلی بین ایران و خارج بود وارد می‌شد).^۴ کاملاً واضح است که این کالا از طریق بغداد و سلیمانیه وارد ایران می‌شده است.^۵ توزیع گسترده و قدرتمند قهوه در جنوب و در کنار توزیع غلات، در قرن نوزدهم از طریق کانال‌های اصلی واردات صورت می‌گرفته است. در اوائل چای از چین و سپس در قرن

1- Schivelbusch, *Tastes of Paradise*, pp. 79–85.

2- See John Malcolm, "The Melville Papers," in *The Economic History of Iran, 1800– 1914*, ed. Charles Issawi (Chicago, 1971), p. 264; William Milburn, *Oriental Commerce*, 2 vols. (London, 1813), 1:123, 129. See also Fraser, *Travels and Adventures*, p. 371, who stated: "Coffee is, I believe, entirely brought from Arabia by the ports of the Gulf. I do not know if any attempt has been made to introduce this article from other quarters."

3- Jaubert, *Voyage*, pp. 286–87.

4- Issawi, *Economic History*, p. 74.

5- Rich, *Narrative*, 1:305.

نوزدهم از بنگال و کروماندل نیز به ایران وارد می‌شد. در همین سالها خراسان در نواحی مرکزی و شمالی تا قسمت‌های دور جنوبی مثل کرمان از بخارا در آسیای مرکزی چای وارد می‌کرد.^۱ با این وجود واردات چای از هند بسیار مهم تلقی شد. هر چند که با گذر به قرن نوزدهم مقادیر وارداتی به حدی کم بوده است که نمی‌توانست بر مصرف قهوه در جنوب چیره شود.^۲ تا اوایل قرن نوزدهم این الگوهای وارداتی نسبتاً پایدار باقی ماندند. تغییر زمانی به وقوع می‌پیوندد که تحت تاثیر توسعه اقتصادی، سیاسی و اجتماعی قرار می‌گیرد. مهمترین آنها افزایش حجم تبادلات تجاری بین ایران و جهان خارج است. وقتی در سال ۱۸۲۰م. ایران دروازه‌های خود را به سوی بازرگانان خارجی گشود، روسیه اولین کشوری بود که از آن منفعت برد. به دنبال گسترش نظامی تزارها در قفقاز و به اوج رسیدن آنها در معاهده ترکمانچای در سال ۱۸۲۸م. مبادلات بازرگانی روسیه با ایران بطور شگرفی افزایش یافت. حجم زیادی از کالاهای اروپایی از طریق بنادر دریای سیاه در روسیه، تفلیس و دیگر مناطق در سرتاسر قفقاز به ایران انتقال یافتند. بنابراین حجم کالاهای وارد شده به ایران از طریق روسیه از ۳۹۷۰۰۰ روبل در سال ۱۸۲۵م. به ۲ میلیون روبل در سال ۱۸۲۹م. افزایش یافت.^۳ روسیه که علاقمند به حفظ جایگاه برتر تجاری‌اش در آسیای مرکزی بود، اقدام به گسترش خطوط تجاری خود در طول دریای خزر از آستاراخان و اورنبورگ نمود. تأثیرات اعمال شده بر تجارت چای را آرتور کونولی نقل می‌کند، آنجا که می‌گوید چگونه منابع عمده چای به تدریج از روسیه به شمال ایران و از طریق بخارا در آسیای مرکزی به ایران وارد می‌شدند.^۴

در نتیجه این تغییر، میگنان در سال ۱۸۳۰م. بیان می‌کند که چای ایرانی تحت انحصار

1- Pottinger, *Travels*, p. 226.

2- A. Dupré, *Voyage en Perse fait dans les années 1807, 1808, 1809*, 2 vols. (Paris, 1819), 2:43.

3- N. G. Kukanova, *Russko-iranskaya torgovlya 30-50-e gody XIX veka (Sbornik dokumentov)* (Moscow, 1984), pp. 6-7.

4- Conolly, *Voyages*, 1:347.

از قهوه تا چای؛ تغییر الگوی مصرف در ایران عصر قاجار ۱۵۳

روس‌ها است.^۱ با این وجود شرکت‌کنندگان اصلی این تجارت بازرگانان روسی و ایرانی نبوده، بلکه تاجرانی از گرجستان و ارمنستان بودند که در سال ۱۸۳۰م. برگ چای را از آلمان و انگلستان-آلمان که نمایشگاه سالانه لایپزیگ آن تبدیل به بازار مهمی گشت و انگلستانی که بعدها کشتیرانی آن منبع نقل مکان چای به بازارهای روسیه شد- وارد کردند. اصطلاح چای نمسه (چای اتریشی-آلمانی) که در ایران اشاره به یک نوع چای مرغوب است، بیانگر این امر است که بیشتر چای اولیه از آلمان (نمسه) تامین می‌شده است.^۲

ترانزیت روسی تا مدت‌ها موفقیت انحصاری خود را از دست نداد. در سال ۱۸۳۱م. دولت روسیه که نگران رقبای خارجی خود بود، قوانین مشخصی در زمینه تجارت ترانزیتی در سرتاسر قفقاز وضع کرد. اما این قوانین گردش کالاها را متوقف نکرد، بلکه صرفاً بازرگانان را به فعالیت وا داشت تا گذرگاه‌های متفاوتی برای تجارت بیابند. در سال ۱۸۳۰م، بیشتر مبادلات بین‌المللی اروپا و ایران به سواحل جنوبی دریای سیاه انتقال یافتند، یعنی زمانی که دولت عثمانی بندارش را به روی تجارت خارجی گشود. بنابراین بازرگانان به جای وارد کردن کالاهایشان از ترابوزان، تجارت خود را از مسیر بنادر ادامه دادند.^۳ از این رو نمایندگان تجارت‌خانه‌های یونانی، ارمنستانی‌های قفقازی، ایرانی‌ها و بازرگانان روس چای را از انگلستان از طریق استانبول و ارزروم به تبریز وارد می‌کردند.^۴ تبریز و خوی که دروازه‌های تجاری ایران در شمال غربی ایالت آذربایجان واقع بودند، به مراکز بازرگانی و تجاری شلوغ‌تری نسبت به ترابوزان و گرجستان تبدیل شدند.^۵

1- Mignan, *Winter Journey*, pp. 175–76

2- See Polak, *Persien*, 2:266; and Johan Schlimmer, *Terminologie médico-pharmaceutique et anthropologique français-persane* (Tehran, 1874), p. 542.

3- A. S(epsis), "Perse: Du commerce de Tauris," *Revue de l'Orient* 5 (1844): 133–34.

4- F. A. Bakulin, "Ocherk' vneshnei torgovli Azerbaidzhana 1870–71 gg." *Vostochniy Sbornik* 1 (1877): 220–21.

5- See Wilbraham, *Travels*, p. 68. For recent analyses, see Charles Issawi, "The

۱۵۴ فصلنامه علمی-تخصصی پژوهش در تاریخ

در سال ۱۸۴۶م. روس‌ها در سرتاسر مسیر قفقاز تعرفه‌های واردات را کاهش دادند تا بتوانند سهم بازار خود را دوباره بدست آورند، اما در آن زمان مسیر وارداتی دچار چالش شده بود. به دنبال امضای معاهده تجاری ایران- انگلستان در سال ۱۸۴۱م. و تجارت در ترابوزان، بریتانیا روابط خود را با ایران بسیار بیشتر از پیش نمود تا زمانی که با کالاهایی همچون چای هندی ارزان بر بازار ایران مسلط شد. چای از هند وارد بوشهر شده و سپس به خرمشهر، اروندکنار، بندرعباس و مکانهای دورتری مثل یزد انتقال می‌یافت. از کانال دوم در سال ۱۸۵۰م. حدود ۱۵۰۰ تا ۲۰۰۰ مورد، به ازای ۴۷۴ من وارد شد.^۱ حجم رو به افزایش چای وارداتی هندی از مسیر دریایی و حتی زمینی قندهار وارد می‌شده است. در خلیج فارس، بوشهر مهم‌ترین بندر وارداتی محسوب می‌شده و واردات چای بیشتر از این منطقه و دیگر بنادر جنوبی که تمایل به واردات داشتند، وارد ایران می‌شد. بنابراین در سال ۱۸۶۳م.، به میزان ۸۰/۰۰۰ روپیه چای از هند از طریق بوشهر وارد ایران شد.^۲ جدول ۱ حجم روبه رشد چای صادراتی از انگلستان را به ایران اما بین سالهای ۱۸۷۸ تا ۱۸۸۷م. نشان می‌دهد.

Tabriz- Trabazon Trade 1830–1900,” *International Journal of Middle East Studies* 1 (1970): 18–27; and Manfred Schneider, *Beiträge zur Wirtschaftsstruktur und Wirtschaftsentwicklung Persiens 1850–1900* (Stuttgart, 1990).

1- “Trade Report by Mr. Consul Abbott in 1849–50,” in *Cities and Trade: Consul Abbott on the Economy and Society of Iran 1847–1866*, ed. Abbas Amanat (London, 1983), pp. 91, 107.

2- For the import figures from Russia in the latter part of the century, see Marvin Entner, *Russo-Persian Commercial Relations, 1828–1914* (Gainesville, 1965), pp. 10, 66, 70. Tea and coffee imports in 1863 are found in Pelly, “Remarks on the Tribes,” p. 47. This source, pp. 54–55, only notes the overland tea connection. For figures of goods imported through the various entry points for the period 1878–82, see also F. Stolze and F. C. Andreas, “Die Handelsverhältnisse Persiens, mit besonderer Berücksichtigung der deutschen Interessen,” *Ergänzungsheft 77 zu “Petermanns Mittheilungen”* (1885): 69–83.

از قهوه تا چای؛ تغییر الگوی مصرف در ایران عصر قاجار ۱۵۵

Table 1. Value of Tea Imports from England to Iran, 1878–87, in Pounds Sterling

Year	Value	Year	Value
1878	34,870	1883	43,928
1879	26,928	1884	65,440
1880	40,176	1885	81,120
1881	19,064	1886	75,200
1882	25,880	1887	96,600

تمامی موارد ذکر شده، بخشی از تغییر طولانی مدت جامعی است که در مرکز ثقل تجارت خارجی ایران که همان حوزه خلیج فارس بوده، می‌باشند. مهم‌ترین عامل تغییر را می‌توان گشایش کانال سوئز در سال ۱۸۶۹م. نامید که در طول این مدت و نیز قیمت کرایه کشتی در سفرهای دریایی بین اروپا و آسیا را بسیار کاهش داد. با آغاز جنگ و درگیری بین ترک‌ها و روسیه در سال ۱۸۷۷م. سهم روسیه در روابط تجاری کمتر شد.^۱ در نتیجه، روسیه مقادیر بسیار کم چای را از مسیرهای قفقاز و تفلیس و شهرهای شمالی استرآباد، مشهد و هرات وارد ایران می‌کرد.^۲ انگلیس با حجم کالای بیشتر و قیمت کمتر و نیز هزینه‌های انتقال بار کمتر از روسیه پیشی گرفت تا جایی که چای چینی را از طریق گمرک غربی هامبورگ و لایپزیگ به روسیه قاچاق می‌کردند. (چرا که دولت روسیه جابجایی کالاهای چینی از طریق اروپا را ممنوع اعلام کرده بود)^۳ روسیه علی‌رغم تهیه‌کننده بودن مداوم چای مصرفی ایران، در این دوره، دیگر کشور

1- For a discussion of the impact on the trade of southern Iran, see Roger T. Olson, "Persian Gulf Trade and the Agricultural Economy of Southern Iran in the Nineteenth Century," in *Continuity and Change in Modern Iran*, ed. Michael E. Bonine and Nikki R.

Keddie (Albany, 1981), pp. 153–54.

2- Bakulin, "Ocherk' vneshnei torgovli Azerbaidzhana"; and Bakulin, "Ocherk' russkoi torgovli v' Mazandarane i b' Asterabade v' 1871 g.," *Vostochniy Sbornik* 1 (1877): 277, 289, 300, 302.

3- A. M. Petrov, "Foreign Trade of Russia and Britain with Asia in the Seventeenth to Nineteenth Centuries," *Modern Asian Studies* 21 (1987): 630–31.

۱۵۶ فصلنامه علمی-تخصصی پژوهش در تاریخ

تهیه‌کننده آن محسوب نمی‌شد. زیرا چای موجود در ایران بسیار ارزان‌تر بوده و تعرفه‌های روسی برای کالاهای هندی و انگلیسی گزاف بودند. در نتیجه بازرگانان ایرانی مبادرت به قاچاق چای از ایران به گرجستان نمودند.^۱

در دهه آخر قرن نوزدهم، روسیه در تلاش بود تا به جایگاه قبلی تجاری خود در ایران دست یابد. این روند با تکمیل راه آهن قفقاز که در سال ۱۸۹۴م. به پتروسک و در سال ۱۹۰۰م. به باکو رسید، هزینه‌های رقابتی راه آهن روسی و کرایه‌های دریایی کم کشتی‌های بخار که از دریای سیاه به باتوم بازمی‌گشتند، توأم و تسهیل شد. در سواحل جنوبی دریای خزر، انزلی بندر ورودی رسیدن چای از روسیه و در آن سوی خزر ترکستان به بندر صادراتی روسیه مبدل گشت.^۲

این امر سبب سهم ۴۰ درصدی روسیه در سال ۱۹۱۰م. در تجارت ایران شد.^۳ هر چند که منشاء چای مثل سابق بوده و تغییری نکرد. بیشتر چای وارداتی ایران، حتی آن مقادیری که از روسیه وارد می‌شد، چای هندی-انگلیسی بود، این چای حتی جایگزین چای چینی در آسیای مرکزی شد که محبوبترین نوع چای به شمار می‌رفت.^۴

1- See Polak, *Persien*, 2:266; and Otto Blau, *Commerziele Zustände Persiens* (Berlin, 1858), p. 143; as well as the report from Tabriz by Sir Henry Rawlinson to the secretary of state for India, 14 November 1859, in *British Documents on Foreign Affairs: Reports and Papers from the Foreign Office Confidential Print*, ed. Kenneth Bourne and D. Cameron Watt, part 1, series A, vol. 1: *Russia, 1859-1880*, ed. Dominic Lieven (Frederick, Md., 1983), p. 8. Tea imports into Russia doubled in the 1870s as compared to the previous decade. See the import figures in Joseph Schütz, *Russlands Samowar und russischer Tee: Kulturgeschichtlicher Aufriss* (Regensburg, 1986), p. 28.

2- Sir Thomas Edward Gordon, *Persia Revisited* (London, 1896), p. 17.

3- Entner, *Russo-Persian Commercial Relations*, p. 72.

4- As of the 1860s Indian tea began to replace Chinese tea in Central Asia. High Russian toll tariffs notwithstanding, tea was increasingly carried to Turkistan by

از قهوه تا چای؛ تغییر الگوی مصرف در ایران عصر قاجار ۱۵۷

بی تردید کاهش قیمت چای که در نتیجه کاهش هزینه‌های انتقال بار بود در گسترش سریع این نوشیدنی در اواخر قرن نوزدهم در ایران نقش بسزایی داشت. مشابه همین امر در همان دوره در روسیه هم دیده می‌شود.^۱

تغییر در الگوهای تجاری و سیاسی که در تغییر مصرف و واردات چای در ایران مشاهده می‌شوند گویای تغییر عمومی در واردات جهانی است. با وجود توسعه اقتصاد غرب و استیلای سیاسی بر بخش‌های مختلف جهان از جمله ایران، که از قرن هفدهم هدف نفوذ تجاری اروپا بوده است، این کشور هرگز به بازار جهانی در حال توسعه‌ای تبدیل نشد. این موقعیت در نیمه دوم قرن نوزدهم تغییر یافت. هرچند که بازار ایران هیچ‌گاه راکد نشد، اما استقلال اقتصادی خود را از دست داده و به شبکه تجاری تحت تسلط اروپا مبدل گشت که تمامی قاره آسیا را پوشش می‌داد. بازیگران اصلی این شبکه انگلستان و روسیه بودند که در قرن نوزدهم جوامع مصرف‌کننده چای بودند. بخشی از این امر به سبب گسترش فرمانروایی تجاری آنها به مناطق کشت چای است. ماهیت بازار درونی آنها عامل فعالیت این دو کشور در تجارت چای شد و در میانه‌های قرن نوزدهم آنها وارد کنندگان اصلی چای محسوب می‌شدند. تقاضا در هر دو کشور باعث واردات جایگزینی شد، به این ترتیب که انگلستان در سال ۱۸۳۰م. کشت چای را در هند آغاز کرده و روسیه نیز در سال ۱۸۸۰م. کاشت بومی را متوقف و کاشت آن را در مناطق دریای سیاه آغاز نمود.^۲ در کنار این توسعه‌ها و افزایش سطح تعاملات با ایران، این کانالهای

merchants from Kabul and Qandahar. See H. Vambéry, "Die Anglo-russische Theeconcurrentz in Turkestan," *Österreichische Monatschrift für den Orient* 2 (1876): 106–107. In 1874 a British report claimed that six thousand camel loads worth three million rubles were annually carried into Central Asia from Afghanistan. See "Abstract of Report of Colonel Glukovsky, 14 June 1874," in *British Documents*, ed. Bourne and Watt, part 1, series A, vol. 1, p. 237.

1- See Smith and Christian, *Bread and Salt*, pp. 235–36.

2- See G. Radde and E. Koenig, "Das Ostufer des Pontus und seine kulturelle Entwicklung im Verlaufe der letzten dreissig Jahre," *Ergänzungsheft 112 zu "Petermanns Mittheilungen"* (1894): 34–35.

تجاری و نفوذ فرهنگ خارجی، منجر به مصرف چای بیش از قهوه در ایران شدند.

نتیجه

قهوه و چای از اواخر قرن شانزدهم در ایران مصرف می‌شدند با رجوع به منابع موجود می‌بینیم که قهوه مرسوم‌تر بوده است. شواهد اندکی موجودند که بر مبنای اطلاعات آنها با سقوط سلسله صفویه در اوایل قرن هجدهم، تعداد قهوه‌خانه‌ها بسیار کم شده و در نتیجه مصرف قهوه نیز کاهش یافت. وحشت و ویرانی در این قرن تأثیر بسیاری بر این امر داشت، اما پیامدهای کاهش مصرف زمانی مشاهده می‌شود که زندگی عمومی احیا می‌شود. هرچند که چای یا قهوه از زندگی مردم ایران حذف نشدند و در اوایل قرن نوزدهم می‌توان آنها را یافت. بخشی از آن به دلیل فراوانی منابع از قسمت‌هایی از کشور که در قرن هجدهم به آنها اشاره نشده است و بخشی به دلیل احیای دوباره تجارت و زندگی اجتماعی که سبب افزایش چشمگیری در مصرف کالاهای وارداتی شده بود. تصویری که از منابع دوران قاجار موجود است با تصور برتری قهوه کاملاً در تناقض است و بالعکس توزیع مشخصی از دو نوشیدنی در منطقه و طبقات اجتماعی مشاهده می‌شود. طبقات بالای اجتماعی بدون توجه به منطقه‌شان در میهمانی‌ها و پذیرایی‌های رسمی چای و قهوه را برای پذیرایی استفاده می‌کردند، با وجود اینکه چای در شمال و قهوه در جنوب مرسوم بود. علیرغم این تقسیم اصلی، کم چای نه تنها به بخش‌هایی که مرسوم نبود وارد شد؛ بلکه به سمت جنوب نیز پیشروی کرد. اگرچه که این تغییرات چشمگیر طولانی مدت تنها در ابتدای ورود این نوشیدنی (هر دو نوشیدنی، چای و قهوه، دارای مواد افزودنی یکسانی بودند) بوقوع پیوست که آن هم به دلیل بافت اجتماعی و اقتصادی بزرگی بود که در آن قرار گرفت.